

# رخبر

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

## کنگره پیروزمند سازمان جوانان انقلابی



(صفحه هفتم)

### در این شماره:

- \* دربارهٔ نیروی ویژه
- \* تاسیس اتحادیه دهقانی
- ۳۱ آبادی
- \* دستگیری دانشجویان ایرانی در آلمان
- \* از زندگی خلق قزاق
- \* تهدید تجاوزگران آمریکایی
- \* خلق فلسطین از تروریسم نمی‌هراسد

# تحلیلی از حادثه مریوان



گرد هم آشی مردم مریوان در اردوگاه خارج از شهر

از حادثه مریوان بیش از دو هفته میگذرد، شهر هنوز خالی از سکنه، سنگرها برپا و مسئله لاینحل باقی مانده است. دلیل بوجود آمدن حادثه‌ی ۲۳ تیر مریوان چه بود؟ یا نتیجه‌ی یک توطئه ضدانقلابی بود یا نتیجه‌ی برخورد یک جنبش اصیل و مردمی با عناصر ناباب؟ برای پاسخ گوئی باید زمینه اجتماعی حادثه مریوان را مورد بررسی قرار داد، چه حوادث کنونی در رابطه‌ی مستقیم با مبارزه‌ی طولانی طبقاتی در این منطقه است. فتوایسم در کردستان و بویژه مناطق مرزی چون مریوان بقیه در صفحه ۲

## (اطلاعیه) لیست نامزدهای انتخاباتی بخاطر اتحاد بزرگ ملی

هموطنان مبارز....

بنا بر ضرورت ادامه انقلاب بر اساس ۳ اصل خلق، مبارزه برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و بنا بر ضرورت تاریخی برقراری "اتحاد بزرگ ملی" بخاطر تحقق ۳ اصل فوق و درهم شکستن توطئه‌های امپریالیستها بویژه ۲ ابر قدرت آمریکا و شوروی و عمالشان و همچنین بنا بر ضرورت تاریخی وحدت ۳ جریان بزرگ اجتماعی، اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی ما از شما دعوت میکنیم که در تهران به نامزدهای مجلس بررسی قانون اساسی زیرای دهید.

- آیت الله سید محمود طالقانی
- دکتر علی صادقی
- دکتر فریده گرمان
- آقای هادی سودبخش
- خانم پروانه فروهر
- دکتر حبیب الله بیمان
- دکتر ابوالحسن بنی صدر
- دکتر حسن نزیه
- دکتر عباس شیبانی
- مهندس لطف الله میثمی

ما بخاطر همسوئی در فعالیتها و انتخاباتی ستادی مشترک بنام ستاد انتخاباتی اتحاد بزرگ ملی بوجود آورده ایم.

سازمان انقلابی، جمعیت زنان ایران، جمعیت عدالت، سازمان جوانان انقلابی، کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، ستارخان بایراغی.

از دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور پشتیبانی کنیم

## انتخابات مجلس خبرگان

# نه افشاگری و تحریم، نه انحصار طلبی

مبنای اسلام باشد و در نتیجه باید متخصصین اسلامی ترکیب مجلس خبرگان را تشکیل دهند، بکطرف از بقیه در صفحه ۲

ضدیت با انقلاب اسلامی با کنار گذاشتن محتوی وظیفه‌ای که در پیش روی است، مسئله بظاهر مهم ولی در حقیقت غیر عمده‌ای را پیش کشیده‌اند. انحصار طلبان با ایستادن

چند روزی بیشتر به انتخابات مجلس خبرگان نمانده است. مجلسی که با بدقانون اساسی رابه شکل نهائی آن برساند. قانونی که باید راهنمای جمهوری اسلامی قرار گیرد و به اساسی ترین نیازهای

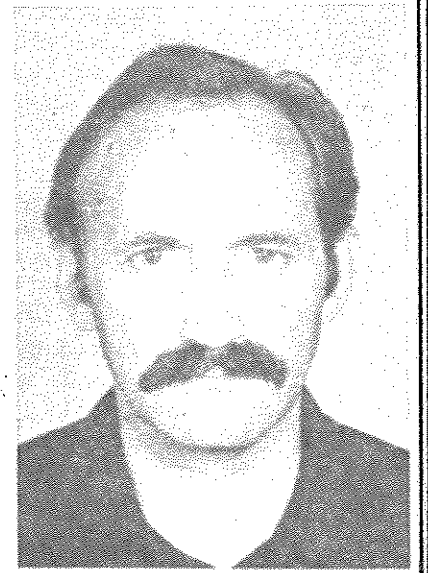
شکل نهائی آن برساند. قانونی که با پدراهنمای جمهوری اسلامی قرا رگردد و به اساسی ترین نیازهای خلق و کشور ما پاسخ دهد. اما دوگرایش انحمارطلبی و

شکل نهائی آن برساند. قانونی که با پدراهنمای جمهوری اسلامی قرا رگردد و به اساسی ترین نیازهای خلق و کشور ما پاسخ دهد. اما دوگرایش انحمارطلبی و

## سخنرانی دکتر علی صادقی

تشریح مواضع و سیاستهای سازمان انقلابی

دکتر علی صادقی عضو دفتر سیاسی سازمان انقلابی، نامزد مجلس بررسی قانون اساسی، کاندیدای ستاد انتخابات اتحاد بزرگ ملی. دکتر علی صادقی عضو سابق سازمان جوانان حزب توده، عضو کمیته رهبری حزب توده در فرانسه و از پیرجمداران مبارزه علیه فرصت طلبی و خیانت رهبری حزب توده ایران بود. محل سخنرانی: دانشگاه تهران خیابان ۱۶ آذر سالن سلف سرویس روز: چهارشنبه ۱۵ مرداد ماه ۵۸ ساعت ۴ بعد از ظهر

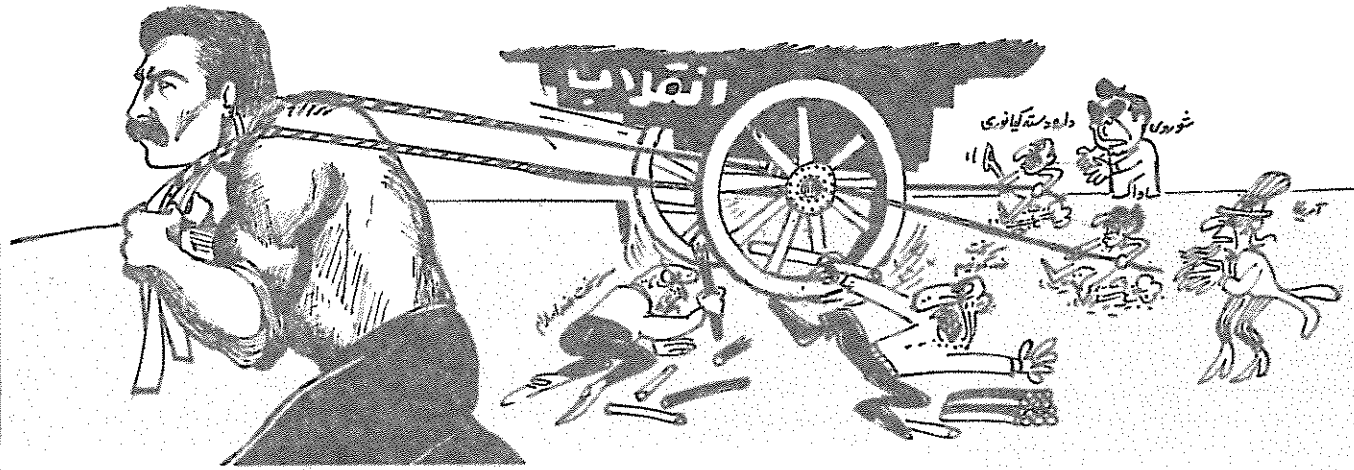


هدفی پلید

## مسلمان نمائی دار و دسته کیانوری

میکنند، که موجب مشمئز شدن هر مسلمان مبارزی میشود. بموازات این تاکتیک، سیاست دیگر رهبری حزب توده را مرور کنیم. از اخلالگری و تهمت زنیهای نشریات و محافل غیر رسمی وابسته بآنها که بگذریم نشریات "اتحاد"، "آرمان"، "مردم" از جمله ارگانهای مختلف حزب توده هستند. در "مردم" شماره ۳۱، "اتحاد" شماره ۱۶ و "آرمان" شماره ۸ رک ویوست کننده مینویسند: هر کس شوری را خطری برای استقلال میهن بداند، "مرتجع" و "آب" به آسیاب ریزامپریالیسم است! "مردم" شماره ۳۲ و ۳۳ به صادق طباطبائی سخنگوی دولت حمله میکنند که چرا پرده از سیاستهای

دار و دسته کیانوری در طی چند ماه بعد از انقلاب، دوجریبان متضاد تبلیغاتی را در رابطه با جنبش اسلامی آغاز کرده و اخیراً تشدید نموده است. یکی تاکتیک با اصطلاح مسلمان نمائی و اما مپرستی و طرفدار اسلام و جنبش اسلامی بودن و دیگری سیاست حمله به مواضع استقلال طلبانه جنبش اسلامی و حمله و تهمت زنی به شخصیت های استقلال خواه جنبش که دارای موضع قاطع ضد و ابتر قدرت آمریکا و شوروی هستند. نشیه "مردم" ارگان این دار و دسته تحت غنا و پستی نظیر "آری پشتیبانی میکنیم" و یا "تقویت رهبری" و "نامه سرگشا ده به ملت ایران" و بسیاری چاپلوسی و تملق های مبتذل دیگر در اصطلاح همراهی و وفاداری شان به جنبش اسلامی



## انحصار طلبی را مورد انتقاد قرار دهیم

گرایش تنگ نظرانه انحصار طلبی بعضی از جناحهای بقدرت رسیده، با آنکه تاکنون اثرات زیان بخش فراوانی در امر وحدت خلق، وحدت جناحهای حاکم و حتی در پیشبرد امور روزمره مملکتی بجای گذاشته، اما بنظر میرسد که هنوز انحصار طلبان کوتاه بین راهوشیا رنکرده است. \* مساله تصفیه زنان قاضی با تمام اعتراضات اتحادیه زنان قاضی و اعتراضات دیگر، و ناتوانی تصفیه کنندگان از ارائه کوچکترین دلیل منطقی، هنوز حل نشده است. ما از انحصار طلبان سؤال میکنیم که صرف نظر از حقانیت اشتغال به کار زنان قاضی، چرا حداقل در کابین مطلب که در چنین شرایط بحرانی و حساس تاریخ مملکت ما دامن زدن به اینگونه نارضایتیها تنها به اخلالگران میتواند خدمت کند، اینقدر مشکل شده است؟

\* اعمال تبعیض بر مبنای عقاید و ایدئولوژی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و در سایر بازرگشتن کارکنان به کارهای خود مجدداً تضییقات مختلفی در مورد گروهی از کارکنان اعمال میگردد، چون معیار اصطلاح ایدئولوژیک



## در روستاها

### شکست مزدوران فئودال در چمان (مازندران)

یکی از نوکران فئودال از نکیا چند کامیون مزدور را برای سرکوبی دهقانان بی دفاع میآورد. دهقانان همگی با زن و بچه به سنگ و چوب و داس و بیل مسلح میشوند و با آنها زد و خورد میکنند و چون دهقانان مبارزه شان عادلانه بود بادل و جان بآنها هجوم میبرند و حسابی پذیرائیشان میکنند و مزدوران با کامیون فرار میکنند تا اینکه پاسداران مسلح رسیده و دهقانان را محاصره میکنند و با تیراندازی هوائی زد و خورد متوقف شده و نوکران شکست خورده به شهر بر میگرددند و محصول همانگونه که خواست دهقانان بود تقسیم میشود. دهقانان میگویند که یک عمری زیر ستم و زورار بباب فئودال بوده اند و امروز دیگر تحمل

در رنجبر شماره ۱۴ گزارشی درباره ده چمال و مینا روزه دهقانان برای پس گرفتن زمینهایشان از فئودال ده آورده شد. این زمین که ۲۵ هکتار راست فقط ۱۵ هکتار آن بنام ارباب نامبرده سند مالکیت دارد و بقیه آن در زمان طاغوت بوزراز دهقانان گرفته شده است. بعد از پیروزی انقلاب دهقانان برای پس گرفتن زمین مبارزه میکنند، اما دخالت کمیته نکا بطرفداری از مالک، دهقانان را که خواهان زمین بودند موقتاً آرام میکند، دهقانان اجازه گرفتن محصول را به فئودال نمیدهند و میگیرند که خود مان درو میکنیم از هر ۱۵۰ کیسه ۲۵ کیسه را برای نوسازی ده و کمک به دهقانان فقیر برداشته و بقیه را بقیه شاه محمدی (مالک) تحویل میدهم. در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ کمیته دهقانان برای درو گرفته بودند

تحلیلی از...

بقیه از صفحه ۱

سخت جان است و در آنجا اساساً اصلاحات ارضی انجام نگرفت. فتوئدالهای این منطقه همیشه پایگاه محکم رژیم شاه و ابزار سرکوب دهقانان بودند. و بواسطه حساسیت منطقه و قدرت فتوئدالها، آنها بیش از سایر نقاط ایران، دستگاه‌های محلی دولتی را تحت نفوذ و کنترل خود داشتند. آنها با تکیه به این دستگاه‌ها نه تنها در جریان اصلاحات ارضی چیزی از دست ندادند، بلکه با استفاده از آن به غصب زمین دهقانان پرداختند، اجاره به آنها بستند، بهره مالکانه گرفتند و زمینهای حومه مریوان را تحت عنوان محدوده شهری از دهقانان غصب کردند.

دهقانان مریوان و حومه بیش از ۴۷ (۵۷ تا ۸۰) علییه فتوئدالها مبارزه‌ای شدید را به پیش بردند. این مبارزه در سال ۵۳ وچ گرفت و به پیروزی هائی نیز دست یافت تا بالاخره دهقانان در شهریور ۵۷ پیروز شده و سند زمینهای مزروعی حومه شهر خود را بدست آوردند.

از ویژگیهای دیگر مریوان، شرکت وسیع دهقانان در انقلاب سال گذشته بود. در تمام طول انقلاب، مالکین از رژیم منفور شاه حمایت کرده و در مقابل جنبش دهقانی ضد رژیمی قرار داشتند. از دو ماه قبل از انقلاب شورای اجتماعی در شهر (متشکل از نمایندگان اصناف و طبقات مختلف) تشکیل شده و بسیاری از امور را در دست گرفت، تا پس از قیام بهمین ماه به ارگان موقت انقلاب در شهر تبدیل گشت. این شورای پس از مدتی به علل توطئه‌های مالکین عملاً تعطیل شد. مالکین از زمان پیروزی انقلاب به بعد فعالیت خود را برای از دست ندادن موقعیت طبقاتی و حاکمیت خویش تشدید کرده و ائتلاف‌های فتوئدالی با سایر مالکین اطراف تشکیل داده و در منطقه به عملیات ضد انقلابی مشغول بودند. از سوی دیگر، دهقانان منطقه نیز قدم بقدم با کمک برخی از سازمانهای محلی چپ کردستان متشکل شده و اتحادیه دهقانی خود را تشکیل دادند.



جلسه وسیع آوارگان مریوان

پس از درگیری ۲۳ تیر، شورای موقت شهر دستور تخلیه سکنه را از شهر میدهد و حدود ۸۰ درصد مردم شهر را تخلیه می‌کنند، عده‌ای از آنها به دهات اطراف و عده‌ای که در حدود ۷ هزار نفر هستند به ۱۵ کیلومتری مریوان و ۲۰ کیلومتری مرز کوچ کرده و در این محل اردوگاهی برپا می‌کنند. از طرف دولت نیز آیت الله لاهوتی برای مذاکره و بازگشت مردم به شهر به مریوان مسافرت میکند ولی در این راه موفقیتی کسب نمیکند و به تهران مراجعت میکند. پس از آنکه معاون استاندار کردستان، آقای کلیجی نیز موفق به جلب رضایت مردم به شهر نمیشود خود استاندار، آقای عبدالرضا شکیبا که چند روزیست باین سمت منصوب شده در تاریخ پنجشنبه چهارم مرداد به همراه دو نفر از اعضای شورای شهر سنجند به مریوان وارد شده و مذاکرات را با نمایندگان شورای موقت شهر مریوان آغاز می‌نماید. خواهشهای شورای موقت عبارتند از:

- ۱) عودت سیاه پاسداران انقلاب بمحل‌های خود.
- ۲) تشکیل دادگاه انقلاب در این شهر.
- ۳) اداره شهر توسط شورای موقت شهر تا سروسامان یافتن ژاندارمری، شهرانی.

این مذاکرات هنوز ادامه دارد و به نتیجه نرسیده است. در یادگان نیز نظرات

دمکرات کردستان نام برد. سازمانهای مختلف "چپ تیز" که بخش بزرگی از بدنه آنها خواهان خدمت به مردم زحمتکش هستند، بعلمت نداشتن سیاست روشن نسبت به دشمنان انقلاب، بویژه امپریالیسم روسیه و سیاست نادرست "چپ روانه" نسبت به دولت، زمانیکه حزب دمکرات برای قدرت گیری از اوضاع سوء استفاده میکند، گرچه به حملات ابسکی به حزب دمکرات می‌پردازند، اما عملاً در جهت تحقق برنامه‌های آن قرار گرفته و به دنبال چاهی این حزب تبدیل میشوند.

پس از انقلاب توده‌های مردم، بویژه دهقانان مریوان که سالها از دست رژیم و فتوئدالها رنج برده بودند، توقع داشتند که دولت ملی در وضع آنان تغییرات جدی بوجود آورد، اما دولت مرکزی نه تنها دست به چنین کاری نزد بلکه در موادری و در روی حرکت توده‌ها برای تغییر اوضاع قرار گرفت. در چنین زمینه‌ای، حزب دمکرات بجز نارضایتی مردم سوار شده و بسیاری از نیروهای با اصطلاح "چپ" را نیز بعلمت سیاست غلط آنها نسبت به امپریالیسم روس و دولت مرکزی - بدنبال خود کشید.

لذا، آوارگی کنونی مردم مریوان، نتیجه مستقیم سیاست غلط دولت، سوء استفاده اجزای

هدفی پلید

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم روس در بلوچستان برداشته. "آرمان" شماره ۱۸ به بازرگان میتا زد که چرا میخواهید عهدنامه ۱۹۲۱ یا شوروی را القو کنید. "مردم" به حجت الاسلام غفاری حمله میکند که چرا میگوئی آمریکا را بیرون نکرديم کسه شوروی جای آن را بگیرد. وگیا نوری خشمگین میشود که منظور حجت الاسلام از ایرانی مستقل و متکی بخود چیست؟ "مردم" شماره ۳۱ با نهایت بی شرمی مدعی است که این مردم ایران بر رهبری امام نبودند که آمریکا را شکست دادند بلکه ارباب ایشان بر زلف بود که آمریکا را با تهدیدهایش از ایران بیرون راند. و بالاخره تقریباً در تمام ارگانهای حزب توده و بطور مرتب می‌آید که هر کس بگوید شوروی در افغانستان کودتا کرده، کشتار میکند و استئما میکند، مرتجع و شریک جرم فتوئدالها و امپریالیسم آمریکا است!

باین ترتیب خواننده‌ای که این دارودسته را درست نشناسد، از خود سؤال میکند که آیا قسم حضرت عباس کیا نوری را در اسلام دوستی و طرفداری از جنبش اسلامی باور کند، یا دم خروس و بستگی به روسیه و خیانت ملی را؟ براستی آن تاکتیک عوام فریبی و ایمن دغلاکری برای چیست؟

راز آنرا باید در وظیفه میهن فروشی این دارودسته برای بسط نفوذ اربابان روسی شان در جنبش، و زمینه سازی برای معامله و تسلیم نمودن کشور در مقابل شوروی جستجو نمود. آنها میخواهند بهر قیمتی که شده در ارگانهای قدرت نفوذ کنند. ولی آنچه که سدره این سیاست است، همان مواضع اتکا بخود و استقلال طلبانه جنبش اسلامی، بویژه موضع قاطع ضد و ابتر قدرت شخصیتهای جنبش میباشد. لذا حزب توده برای برداشتن این سد باید موضع ضد امپریالیسم روس را از جنبشش بزدايد.

ولی از طرف دیگر در این ضد روس زدائی جنبش متوجه است که نباید جلوی جنبش اسلامی قرار گیرد. و برای اینکار از تجربه اربابان خود کمک گرفته و تجزیه

زمانی که اربابان کرملیسم امیدواری نزدیکی به شاه سابق را داشتند، رهبری حزب توده در نشریات "مردم" و "دنیا" (مثلاً سال پنجم شماره ۳) همین راه را به شاه پیشنهاد میکردند که خلاصه اگر بطرف شوروی سرخم کنی ضد امپریالیست و مترقی هستی و سالها مجیز رژیم شاه را گفتند و وقتی که نا امید شدند شروع به لعن و نفرین شاه کردند.

اکنون هم رهبری حزب بانیت پلید کشتن جنبش اسلامی بزیر پنجه‌های خونین خرس قطبی، زدودن مواضع ضد روس را از جنبش اسلامی هدف خود قرار داده اند و از همین دیدگاه و طر روشانه است که به شخصیتها و گروههای ملی ضد دوا بر قدرت در درون جنبش اسلامی برچسب ارتجاعی و "وابسته به آمریکا"، سازشکار و غیره میزنند. شوروی و نوکرانش دارودسته کیا نوری، دارودسته منفرد و مورد تنفیری بیش نیستند اما باید پرسید آنها چه روزنه‌ای میدی برای توطئه‌های خود می بینند که اینگونه تقلام میکنند. بعقیده ما در ارزیابی از ماهیت و توطئه‌های شوروی سه انحراف در جنبش ما موجود است که باید شدیداً با آنها مبارزه شود:

انحراف اول: آندسته از کسانی که تصور می‌کنند میتوانند با مصلح ما هرانه از تضادهای دوا بر قدرت بنفع انقلاب سود بجویند و بجای برخورد قاطع با امپریالیسم روس از تاکتیک ورشکسته استفاده از شوروی علیه آمریکا استفاده میکنند این دسته از افراد و گروهها فلند که نتیجه نهائی این تاکتیک تسلط کامل روسها بر آنها و جنبش را به همراه دارد. تا ریخ مبارزات خلقهای جهان و تاریخ ۸۰ ساله جنبش مردم ما نشان داده که این تاکتیک غلط و فاجعه آور است.

انحراف دوم: آن دسته از افراد و گروههایی که مرعوب روسها هستند و از ترس آنها به مماشات با سیاستها و برنامه‌های شوروی پرداخته و تصور میکنند با امتیاز دادن میتوانند حرص و ولع سیری نا پذیر این امپریالیسم نوخاسته را مهار کنند. این عده نیز بخاطر عدم درک کامل از خصلت امپریالیسم در ارزیابی از روسها سخت در اشتباهند. سگ زنجیر گسته روس را نمیتوان با یک لقمه نان سیر



سازمانهای محلی چپ کردستان متشکل شده و اتحادیه دهقانی خود را تشکیل دادند.

در چنین زمینه‌ای از مبارزه طبقاتی و سیاسی است که حادثه‌ی ۲۳ تیر رخ میدهد.

از یکسو، دولت مرکزی بعثت نشناختن حق خودمختاری برای خلق کرد در منطقه ضعیف است و بدنبال متحد می‌گردد، لذا فتودالها از این امر سوءاستفاده کرده و تحت پوشش‌های گوناگون خود را بعنوان حامی دولت مرکزی در محل عرضه می‌دارند، از سوی دیگر، دسته‌جات فرصت طلب "دمکرات" و برخی از نیروهای "چپ" نیز از جنبش دهقانی سوءاستفاده کرده و در پی ایجاد پایگاه ضد دولتی در محل برای ضربه زدن به دولت مرکزی و نقشه‌ریزی برای عملیات خود در آینده هستند.

تصادم این دو جریان (فتودالها با "دمکرات" - چپ‌ها) جریان مریوان را به پیش می‌آورد؛ این در واقع تصادم دوسیاست نادرست است: سیاست عدم شناخت حق خودمختاری خلق کرد از طرف دولت، سیاست انحصار طلبی و سیاست مبارزه برای ضربه زدن به دولت مرکزی، تضعیف انقلاب، سیاست فرصت طلبی و براندازی.

این مذاکرات هنوز ادامه دارد و به نتیجه نرسیده است. در یادگان نیز نظرات مختلفی از چگونگی عملکرد ارتش و سپاه پاسداران انقلاب وجود دارد. از هم گسیختگی و بی‌نظمی شدیدی که ناشی از روحیه آناشیستی و یا غیرگرایانه پاسداران انقلاب است بچشم می‌خورد. آنها مستقلا برای خود عمل میکنند و هیچ اصولی غیر از "اصول" خود را نمی‌شناسند. در بین پاسداران و ارتش هستند عناصر نابابی که سرکوب مردم را تشویق می‌کنند. مبارزات خلق کرد برای حق تعیین سرنوشت علیه امپریالیسم و رژیم‌های وابسته به آن دهها سال است که با دادن هزاران شهید، ادامه داشته و دارد.

پس از پیروزی انقلاب، دولت مرکزی فرصتی عالی در دست داشت که با شناخت حق خودمختاری خلق کرد، با اکثریت زحمتکشان کردستان متحد شده بر علیه توطئه‌های امپریالیستها مبارزه کرده و زمینه‌ای بپوشد. طلبان "دمکرات" و "چپ" ندهد، اما سیاست نادرست دولت موجب جدائی او از خلق کرد و رشد ناراضی و ایجاد زمینه برای عناصر فرصت طلب "دمکرات" و "چپ" شد، که بویژه باید از حزب

لدا، آوارگی کنونی مردم مریوان، نتیجه مستقیم سیاست غلط دولت، سوءاستفاده احزاب فرصت طلب مماشات گریا بیگانه، و سیاست‌های غلط دسته‌جات "چپ" است.

و در این میان توده‌های خلق ضررمی بیندود و او بر قدرت از آب گل آلودماهی میگیرند.

ما معتقدیم که با یدسیاستهای نادرست سرکوب خلق کردیست براندازی دولت مرکزی را طرد کرد، با شناخت حق خودمختاری برای خلق کرد، ایجاد تغییرات ریشه‌ای - بویژه ارضی - به نفع زحمتکشان، بریدن دست و پاهای امپریالیستها از کردستان، عناصر فرصت طلب "دمکرات" و "چپ" را منفرد نمود و از سه جنبش دهقانی برای زمین، ملی برای خودمختاری و ضد امپریالیستی برای استقلال کامل کشور حمایت نمود.

ما عمیقا معتقدیم که مبارزه خلق کرد برای خودمختاری، عدالت اجتماعی و برای استقلال کامل ایران به پیروزی خواهد رسید، سیاست ستم ملی، مماشات گری با امپریالیستها شکست خواهد خورد و گروههای سیاسی خلقی تجربه اندوخته و آبدیده تر و کاروان تر در خدمت مبارزات خلقهای ایران قرار خواهند گرفت.

نیاید جلوی جنبش اسلامی قرار گیرد. و برای اینکار از تجربه اربابان خود کمک گرفته و تجزیه کردن جنبش اسلامی را یگانسه راه حل می‌بیند.

رهبری حزب توده با همان نسخه ارباب که جنبشهای جهان سوم را به دو قسمت "رادیکال" و "لیبرال" و "یا" مترقی و "ارتجاعی" تقسیم میکنند، در ایران نیز این نتیجه را بکار میگیرد. با این ترتیب از یکسو کیا نوری با عدو زاهد و مسلمان میشود و حمایت ظاهری از جنبش اسلامی و رهبری آن را لازم می‌بیند و از طرف دیگر حمله شدید به مواضع مستقل و ضد روس جنبش و شخصیتهای آنرا سا زمان میدهند، تا با اینوسیله با کنا رزیدن بخشهای قاطع ضد دوا بر قدرت، زمینه را برای متحد شدن با بخش رام شده در مقابل ابر قدرت شوروی را فراهم آورد.

آن ترکیب ارتجاعی که حزب توده بدنبال آنست جمع سازشکاران با امپریالیسم روس بعلاوه دار و دسته کیا نوری است و آن تجزیه جنبش بخاطر رسیدن به این ترکیب ضد ملی است.

این شگرد کار ابر قدرت شوروی و عمال آن تا زگی نداشته و به جنبش اسلامی یا هر نیروی دیگر که بر سر کار باشد نیز بستگی ندارد.

در آرزوی بی‌آرزوسها سخت در اشتباهند. سگ زنجیر گسته رو س را نمیتوان با یک لقمه نان سیر کرد. اوتامام نان را میخواهد و بعد هم پاچه گیر ما حب نان میشود.

آیا سرنوشت رئیس جمهور قبلی یمن جنوبی و داود خان و دیگران درس عبرتی برای این عده نیست؟ - انحراف سوم: مشتی معسود آرایشگر روسیه در لباس دوست، مسلمان نما و تمام آن دسته از افراد و گروههایی که به مجیز خوانی این ابر قدرت پرداخته و آشکار و مخفی هیزم کش این امپریالیسم نو خاسته هستند. این معدود افراد و گروهها ما ننند خود را رودسته کیا نوری خائنین به منافع خلق بوده و مبارزه برای استقلال درگرو مبارزه با این افراد و گروههاست. تنها مبارزین صادق و خلق ستم دیده ما که در طول سالیان دراز زخم عمیقی از تجا و زامپریالیستها را بر گوشت و پوست خود حس میکنند حاضر به هیچ نوع سازشی با هر دلیلی، با هیچیک از امپریالیستها و از جمله با اربابان روس کیا نوری و شرکایش نیستند. استقلال میهن و آزادی مردم درگرو مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و بویژه علیه دخالتها، تجا و زات و سلطه طلبی‌های دوا بر قدرت آمریکا و شوروی می‌باشد.

### ● انحصار طلبی...

بقیه از صفحه ۱  
رامی کشند و کسانی که در پستی سرنگون ساختن بزعم آنان "بورژوازی وابسته حاکم" هستند، طرف دیگر را. این دسته دوم، هدف خود را از شرکت در انتخابات مجلس خبرگان، افشای ماهیت دولت حاکم قرار داده و با بکلی آنرا تحریم نموده است. هر دوی اینها در فکر خویش اند و مسئله قانون اساسی برای هر دویشان مستمسکی برای حفظ قدرت انحصاری یا کسب قدرت انحصاری، بی‌ش نیست. زیرا تعیین کننده این نیست که قانون اساسی را چه کسانی به رشته تحریر در می آورند. مهمترین حیاتی تر اینست که آیا قانون اساسی جوا بگوی مسائلی که ادامه‌ی انقلاب در مقابلش

می‌نهد، خواهد بود یا نه. قاضی صحت و سقم قانون اساسی هم، توده‌ها و خلق خواهند بود، آنهم نه تنها با معیار کنونی شان بلکه بیشتر و اساسی تر، با تجربه آینده شان.

خلق ما انقلاب کرد تا کشورش استقلال داشته باشد، تا آزادی داشته باشد و از عدالت اجتماعی برخوردار باشد. قانون اساسی باید اساسا جوا بگوی این خواستها باشد. و هیچ مکتب و اعتقادی نیز بخودی خود مان اجرای این خواستها نبوده، و هیچ کس با اعلان وابستگی به این بیان مکتب نیز بخودی خود پاسدار ادامه انقلاب و منافع زحمتکشان و کشور نخواهد شد. چه کسی میتواند مدعی شود که جواب همه جریانهای سیاسی اسلامی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، یکی است؟ چه

برخوردهای گوناگون آنان به سوسیال - امپریالیسم روسیه بنگرید، به شیوه‌های برخورد آنها به نیروها و مکاتب دیگر بنگرید، به برنامهای اقتصادی آنان در مورد طبقات مختلف بنگرید تا بیش از پیش به صحت این گفته پی برید.

تحریم کنندگان و کسانی که با هدف افشاگری در این انتخابات شرکت میکنند نیز جوا بهیستای متفا وتی دارند.

بنا بر این با جرات میتوان گفت که هم نجما رطلبان و هم افشاگران و تحریم کنندگان در پی نمذبیشتری برای کلاه خود هستند و نه در پی تدوین یک قانون اساسی راستین راه گشای انقلاب و کشور.

اما خمینی، روزی که پس از پانزده سال دوری از میهن به

وطن بازگشت و بر مزار شهدای انقلاب در بهشت زهرا رفت، در افشای قانون اساسی شاهنشاهی آن زمان گفت نسل قبیل حق نداشت برای نسل ما هم تکلیف روشن کند. زیرا نسل ما با تجربه مان دریا فتنیم که راه قانون اساسی قبلی بدر دمانمی خورد و بهمین دلیل امروز بیای تدوین قانون اساسی نویی میرویم.

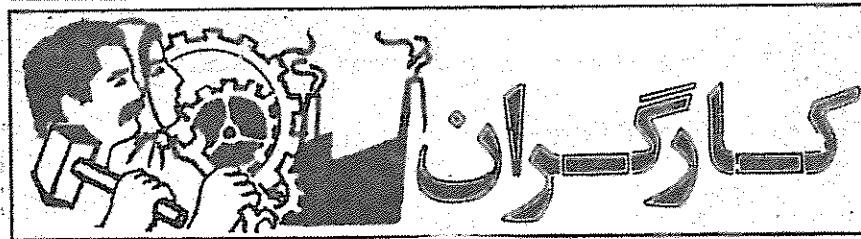
اگر میخواهیم نسل جدیدی که برایش تعیین تکلیف مینمائیم، بر پایه تجربه خودش قانون اساسی جدید را نیز نفرین نکنند، مشوق راستین شرکت همه، از مسلمان مبارز، تا ناسیونالیست مترقی و سوسیالیست انقلابی باشیم و تمام کوشش خود را بکار ببریم تا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را هگشای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باشد.

### شکست...

بقیه از صفحه ۱

آنرا ندارند و پینه‌های کسفا دستشان نشان دهنده‌ی اینست که زمین مال آنهاست در پائیز بکسی اجازه قدم گذاشتن به زمین را نخواهند داد.

اگر قرا را ست ایران از نظر مواد غذایی به خود کفائی برسد و نیازی به واردات غذایی از کشورهای بیگانه نباشد یا یک کمیته‌ها و دولت از خواستهای برجسته دهقانان دفاع کنند تا آنها بتوانند ریشه‌های ظلم و ستم باقی مانده از رژیم گذشته را برای همیشه از دهاشان کنده و زمینه‌سرای استقلال کشاورزی ایران آماده شود.



# درباره «نیروی ویژه»

خصمانه دارد و از "دخالت‌های آنها در مدیریت موسسات و انتصابات می‌ترسد؟ این کمیته‌ها و شوراهای در شکل، سازماندهی و بسیج کارگران در جریان انقلاب نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشته‌اند و پس از پیروزی انقلاب نیز با گشایش کارخانه‌ها و از سرگرفتن کار تولیدی به امرادیه پیروزند انقلاب خدمت کرده‌اند. این کمیته‌ها و شوراهای که سبیل قدرت میلیونی کارگران کشور در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها می‌باشند، خواستار چه هستند؟ آنها خواهان پاکسازی محیط کارخانه‌ها از عناصر ساواک و عوامل وابسته رژیم سابق و تا مین حداقل رفاه کارگران می‌باشند. دولت باید برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تحکیم و تعمیق آن، به این کمیته‌ها و شوراهای متکی باشد، نه اینکه آنها را بصورت ارگان‌های قدرتی در مقابل قدرت خود ببیند و بر علیه آنها موضع بگیرد.

ما معتقدیم: نیروی ویژه وزارت کار که تحت عنوان "حفاظت از کارخانه‌ها" در شرف تشکیل است، ابزار دیگری است که میتواند از آن در جهت منافع کارفرمایان و وابسته به امپریالیسم بر علیه کارگران استفاده شود دولت با اینکار باعث افزایش بیشتر قدرت کارفرما و توسعه اجحافات به کارگران شده و خود بصورت عامل بی نظمی "و تحریک" در بین کارگران در خواهد آمد. یکی از خواستهای اولیه کارگران در مبارزه با رژیم ضد کارگری شاه، انحلال "اداره حفاظت" بود. کارگران بحق آن رایه عنوان شعبه‌ای از ساواک در کارخانه تلقی میکردند. هدف و وظایف این اداره، خدمت به سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم، سرکوب کارگران و تا مین و تضمین استثمار و بهره‌کشی بیرحمانه آنان بود.

این روزها در محافل کارگری همه جا صحبت از تشکیل نیروی ویژه به نام "نیروی ویژه وزارت کار" است. قانون تشکیل این نیرو به تصویب هیئت دولت رسیده و شورای انقلاب نیز آن را تأیید کرده است. هدف از تشکیل این نیرو "نگاهبانی روابط کار بر اساس قوانین و مقررات مربوط" می‌باشد. وظایف این نیرو، نیز به شرح زیر است:

- ۱- "مراقبت در نظم و انتظام کارگاهها و کارخانه‌ها"
- ۲- "ممانعت از دخالت افراد و سازمانهای غیرمسئول در امور کارگاهها"
- ۳- "اجرای دستورهای مقامات صلاحیتدار وزارت کار در امور اجتماعی و تا مین نظم و انتظام"
- ۴- "جلوگیری از تحریک عوامل ضد انقلاب و تعطیل کارگاهها و کارخانه‌ها" و بالاخره.
- ۵- "جلوگیری از دخالت کمیته‌های اعتصاب یا شوراهای کارکنان و نظارت بر مدیریت موسسات و انتصابات"

به اعتقاد ما شرط اولیه و لازم برای تأمین استقلال کشور این است که کالاهای مورد نیاز مردم در داخل تولید شود و برای اینکار لازم است که کارخانه‌های ما کار میکنند و هیچگونه بی نظمی و اختلالی در کار تولید بوجود نیاید. ولی باید پرسید که:

- ۱- آیا اینکار بایده زور صورت بگیرد یا اینکه خود کارگران با میل و رغبت و عشق و علاقه کالاهای مورد نیاز کشور را تولید نمایند؟ آیا اینکار باید با کمک پلیس و یک نیروی سرکوبگر تا مین و تضمین بشود یا با اتکا به خود کارگران و کمیته‌های منتخب آنها و افزایش عشق و علاقه به انقلاب در آنها؟
- ۲- "نگاهبانی" روابط کار، باید بر اساس کدام "قوانین و مقررات" صورت بگیرد؟ قوانین و مقررات

# کارگران و استثمار (۱)

همه ما کلمه "استثمار" را از زبان این و آن شنیده‌ایم و یا در کتابها یا روزنامه‌ها خوانده‌ایم. ولی همه ما معنی آنرا نمیدانیم و ارتباط آن با زندگی کارگران برایمان روشن نیست. پس بهتر است قبل از اینکه وارد بحث در باره استثمار بشویم این دو نکته را روشن کنیم. معنی استثمار چیست؟ استثمار یعنی "بهره‌کشی" یعنی اینکه شخصی آدم دیگری را بکار بکشد و بعد ثمره کار او را برای خودش بردارد. یعنی در موقع کار کردن دست به سیاه و سفید نزنند ولی در خوردن شریک اصلی باشد. خلاصه یعنی دسترنج کار دیگران را از آنها گرفتن و آنها را در فقر و بدبختی نگاه داشتن. اما این موضوع چه ربطی به

کارگران دارد؟ همه ما میدانیم که در اجتماع ما این زحمتکشان هستند که تمام وسائل زندگی از قبیل خوارک، پوشاک، مسکن و غیره را ساخته و آماده می‌نمایند. اما موقعی که پای خوردن و پوشیدن بمیان می‌آید زحمتکشان فقط به اندازه بخور و نمیزی میرسند. در حالی که بعضی آدمهای دیگر که هیچگونه کاری انجام نمیدهند بهترین خوراکیها و پوشاکها و خلاصه تمام وسائل زندگی در اختیارشان است. مثلا برای ساختن یک خانه به دو چیز احتیاج داریم: اول کارگر، دوم مصالح از قبیل آجر، شن و ماسه، تیر آهن، گچ و غیره... اما مصالح لازم هم توسط کارگران تهیه میشود، زیرا کارگران هستند که در کوره‌ها

## کارخانه چو کا به همت شورا بکار می افتد

در سال ۱۳۵۲ کارخانه چوب و کاغذ ایران (چو کا) درگیلان بخاطر چپاول منابع طبیعی ایران بوجود آمد. شرکت "استدلر هرتز" یکی از موسسات در حال ورشکستگی کانادا بود که بوسیله یک کمپانی آمریکایی برای دولت ایران خریداری شد. اینکار در واقع بخاطر نجات دادن این موسسه از خطر نابودی و گسیل سیلی از اصطلاح متخصصان جهت صدور سرمایه و فروش لوازم یدکی برای این شرکت خارجی بود. سهامداران شرکت چو کا، خود دولت و بانک صنایع و معادن وزارت کشاورزی بودند.

۵۵۰ میلیون دلار یعنی حدود ۴۴۰۰ میلیون تومان بود، ولی تاکنون با برآوردی که بوسیله متخصصین امور مالی بعمل آمده مبلغ ۶۵۰ میلیون دلار یعنی ۵ میلیارد دو دویست میلیون تومان خرج این تاسیسات کرده‌اند با تضمین اینکه این کارخانه بتواند در روز ۵۰۰ تا ۶۰۰ تن کاغذ بدهد ولی تاکنون، عملاً قادر به تولید بیش از ۲۰۰ تن کاغذ در روز نشده است.

استخدام متخصصین فنی خارجی کاملاً زیر نظر استدلر هرتز بود. "استدلر هرتز" تا لایقترین افراد را جهت کار در این تاسیسات کارخانه به ایران آورد و با حقوق تا حداکثر ۱۰۵ هزار تومان در ماه بکارگمارد که در میان این افراد ژاندارمهای نیروی دریائی و حتی میکسیونرهای مسیحی بودند که در بعضی مواقع در داخل کارگاهها اعلامیه‌های مذهبی پخش میکردند.

بعلاوه این متخصصان قلابی هر کدام بخشی از امور کارگاهها را بعنوان مهندسین قسمت در اختیار داشتند، و در نتیجه تمام مخارج حقوق و تهیه مسکن و ماشین و ویلا و تهیه لوازم تفریح آنها پس از چند ماه این عده به ۹۰ نفر افزایش پیدا کرده و از همان حقوق و مزایا برخوردار میشدند.

قرارداد خرید کارخانه و جاسازی و آماده نمودن کارخانه

قرارداد خرید کارخانه و جاسازی و آماده نمودن کارخانه

آجر را تهیه می‌نمایند، کارگران هستند که تیر آهن را در کارخانه ذوب آهن می‌سازند. همینطور گچ، شن و ماسه سایر مصالح... زمین بوسیله کارگران تهیه میشود. برای ساختن خانه هم کارگرانی از قبیل بنا، جوشکار، گچکار، نقاش و عده‌ای کارگر دیگر دست بدست هم میدهند و کمک هم آنرا می‌سازند. خلاصه تمام کارهای اساسی و سختیهای ساختن خانه بر دوش کارگران است. اما بمحض اینکه خانه ساخته و آماده شد، این کارگران مزدی نمیگیرند و باید بروند و در همان زاغه‌های تنگ و تاریک یا خانه‌های بی‌آب و برق و نمناک خود زندگی کنند. این خانه بزرگ و نوساز که با این همه خون دل کارگران ساخته شده مال کسی میشود که در کار ساختن خانه کوچکترین سهمی نداشته است. چرا باید اینطور باشد؟ چرا باید هر چه سختی و بدبختی است مال کارگران و زحمتکشان باشد و هر چه وسائل راحتی و آسایش است مال عده‌ای بیکاره و مفتخور؟ بعضی میگویند، خوب آدمی که می‌سازد تومانی پول دارد که احتیاج بکار کردن ندارد. و وقتی آدم آنقدر پول داشت چرا از همه وسائل راحتی و آسایش استفاده نکند؟ در اینجا باید پرسید اصلاً چطور شده که میلیونها نفر کارگر و دهقان و زحمتکش دیگر با اینهمه کار که میکنند فقیر و گرسنه مانده‌اند در حالی که تعداد کمی آدم که کاری زیادی هم نمیکند میلیونر شده‌اند؟

جواب ما اینست که آنها میلیونر شده‌اند چون زحمتکشان را استثمار کرده‌اند. می‌پرسید چطور؟

## رفتگران بوشهر خواستار بهبود وضع خود هستند

کارگر شهرداری بندر بوشهر میگفت: انقلاب اسلامی که پیروز شد استاندار جدید بوشهر آمد و اولین اقدامی که کرد شهرداری بوشهر را به تهران اعزام و رئیس اتاق اصناف را که سمت معاون شهرداری داشت به جای او گماردند.

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

۲- نگاهانی "روابط کار، باید بر اساس کدام قوانین و مقررات صورت بگیرد؟ قوانین و مقررات رژیم ضدکارگری سابق یا قوانین و مقرراتی که باید در این مرحله انقلابی با شرکت خودکارگران یا نمایندگان منتخب آنها در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور و تأمین منافع کارگران تهیه بشود؟ مگر "قوانین و مقررات رژیم سابق، که کارگران همیشه خواهان لغو آنها بوده اند، بنفع یک عده سرمایه داران گل و وابسته به امپریالیسم و بضرر کارگران نبوده است؟ مگر انقلاب مابسر علیه نظام طاغوتی و قوانین رژیم ضد خلقی سابق نبوده؟ در این صورت آیا اتکا به "قوانین و مقررات" طاغوتی برای نگاهانی روابط کار، به امر انقلاب و پیشبرد آن ضرر نمیزند؟

۳- علت اینکه "افراد یا سازمانهای غیرمسئول" امکان آن را مییابند که در امور کارگاهها و کارخانهها دخالت نمایند چیست و چرا "تحریک عوامل ضد انقلاب" در تعطیل کارگاهها موثر واقع میشود؟ ما قبلاً بارها گفته ایم که "هرجا مسائل حل نشده ای هست تحریک سودجویان سیاسی موثر واقع میشود". (برای نمونه، رنجبر شماره ۱۱، مقاله ای کا رگری بهبود وضع زحمتکشان، ضامن ادامه پیروزمند انقلاب) و باز هم تکرار می کنیم که تا زمانی که "مسائل کارگران حل نشده است، دخالت و تحریک" عنا صر فرصت طلبان افزایش خواهد یافت و موثر هم خواهد بود.

۴- آیا وقتی کارگران، به وضع نابسامان خود وظلم و اجافاتی که به آنها میشود ویدی وضع کا روز زندگی خود اعتراض کردند، باید این اعتراض ها را به حساب "دخالت افراد یا سازمانهای غیرمسئول" و "تحریک عوامل ضد انقلاب" گذاشت؟ و آیا چنین برخوردی در واقع بهانه ای برای ظفر رفتن از حل مسائل و مشکلات کارگران و حتی سرکوب آنها نیست؟

۵- بالاخره چرا دولت در مقابل "کمیته های اعتصاب یا شوراهای کارکنان یا نظایر آن" موضعی

وابسته به امپریالیسم، سرکوب کارگران و تأمین و تضمین استثمار و بهره کشی بیرحمانه آنان بود. با انهدام نظام شاهنشاهی، ساواک و ادارات حفاظت آن در کارخانه ها نیز باید به زبانه دانی تاریخ سپرده شود. تجدید حیات "اداره حفاظت در کارخانه ها تحت عنوان "نیروی ویژه" می تواند کارگران را که بخش عظیمی از نیروهای خلقی را تشکیل می دهند از دولت موقت سرخورده نماید و آنها را در مقابل دولت قرار بدهد. در این صورت است که "تحریک عوامل ضد انقلاب" موثر واقع خواهد شد و "افراد یا سازمانهای غیرمسئول" امکان خواهند یافت که در امور کارگاهها و کارخانهها دخالت نمایند و به ناراضی های موجود در کارخانهها دامن بزنند و از این طریق، بحران موجود در کشور را شدت بخشند.

ما تشکیل این نیرو را کاری برخلاف مصالح ادامه پیروزمند انقلاب دانسته و از دولت می خواهیم سریعاً، انحلال این "نیروی ویژه" را اعلام کند و امر نگاهانی از کارگاهها و کارخانهها را به خود کارگران و کمیته ها و شوراهای منتخب آنان واگذار نماید و از این طریق به تحکیم انقلاب و حفظ وحدت بزرگ خلق خدمت کند.

میشدند. قرار داد خرید کارخانه و جاسازی و آماده نمودن کارخانه

مخارج حقوق تهیه مسکن و ماشین و ویلا و تهیه لوازم تفریح آنها بقیه در صفحه ۴

## اعتصاب تاکسیرانان شیراز

صبح روز پنجشنبه چهارم مرداد ماه تاکسیرانان شیراز بعنوان اعتراض به گرانی بنزین، ولنت و لاستیک و اعتراض به مسافر کشی توسط ماشینهای شخصی دست از کار کشیدند و تاکسیهای خود را بدور فلکه ستاد تاجلیو استاننداری کنار هم پارک کردند. ما با چند نفر از تاکسیرانان به گفتگو نشستیم یکی از همین رانندگان میگفت تاکسیها قبلاً با سوخت بنزین بود، در زمان رژیم سابق گفتند باید تاکسیها گازی بشود ما هم کردیم حالا باز هم میگویند گاز نیست و ما الان دوماه است که با بنزین کار میکنیم قاعدتاً باید به ما بنزین ارزانتر بدهند ولی دوماه است که کوپن بنزین بمانداده اند. در مورد یک تاکسی هم ما مشکلات داریم شرکت تعاونی تاکسیرانی میگوید باید کهای لازم را ندارم و به ما هم کم مطلق می کند. ما در عرض هرده روز یک دست ولنت ترمز لازم داریم و در مدت

کوتاهی لاستیک احتیاج داریم چون تاکسی دائماً در حال حرکت بوده و با این ترافیک خودتان حساب کنید که ماشین چقدر استهلاک دارد آنوقت قوز بالای قوز ما این شخصی ها هستند که پدر آمرزیده ها در باره ما انصاف بخرج نمیدهند و با مسافر کشی در خیابانها ما را آزار میکنند. اوسپس جیبهای خود را بیرون ریخت و میگفت بخدا قسم از کله سحر تا حالا پانزده تومان کار کرده ام شما انصاف بدهید که ما چکار کنیم. شرکت تعاونی تاکسیرانی هم که باید به ما کمک بدهد به ما محل نمیگذارد. تا سه ساعت این وضع ادامه داشت و بیش از هزار دو بیست تاکسی کنار هم در محوطه جلوی استانداری و وسط میدان و کنار خیابانها پارک شده بود و راننده ها هم گروه گروه با هم بر سر خواسته های خود بحث میکردند و همگی ناراحت بودند که با این وضع چرا استاندار از دفتر خود بیرون نمی آید تا بپرسد که چه خبر است و بالاخره رئیس راهنمایی شهر رسید و با بلندگویی سخنانی خطاب به تاکسیرانان گفت که خواسته های آنان را شنیده و به آنها احترام میگذارد و گفت در مورد جلوگیری از مسافر کشی شخصی ها که از دست مابسر می آید در اولین فرصت انجام خواهیم داد ولی در مورد خواسته های دیگر یعنی پرداخت مازاد پول بنزین (کوپن) ولنت ترمز و لاستیک اینها خواسته های هستند که منوط به ارتباط با مرکز است من به شما قول میدهم که در اولین فرصت این خواسته های بحق شما را به مرکز اطلاع دهم شما میتوانید روز شنبه به دفتر من بیایید که من اقدامات انجام بقیه در صفحه ۴

## خواسته های کارگران شرکت «آرتی پیکو» (سندج)

پیرو گزارشی که از شرایط کار کارگران شرکت "آرتی پیکو" (سندج) در شماره قبیل داشتیم، اکنون خواسته های کارگران این شرکت بدستمان رسیده است که در زیر می خوانید:

خواسته های کارگران شرکت "آرتی پیکو" (سندج)

۱- کارگران این شرکت در هفته ۴۸ ساعت کار میکنند و بازای ۴۸ ساعت کار برای جمعه ها حقوق دارند. اگر آنها بجای ۴۸ ساعت

۴۶ ساعت کار کنند برای جمعه حقوق نخواهند گرفت. کارگران به این مسئله اعتراض دارند.

۲- کارگران در ماه یکروز مرخصی علاوه بر جمعه ها دارند ولی برای یکروز مرخصی حقوق نمیدهند. در صورتیکه شرکت به آنها قول داده که حقوق یکروز مرخصی را پرداخت نماید و حتی پشت کارت کارشان را برای یکروز مرخصی با حقوق امضاء کرده.

بقیه در صفحه ۴

و این که می که جزء شهردهی بوشهر را به تهران اعزام و رئیس اتاق اصناف را که سمت معاون شهردار را داشت به جای او گمارد، و پس از یک ماهی استاندار هم عوض شد.

قراردادی بین شهرداری و استاننداری بسته شد که هر ۱۵ روز به ۱۵ روز تمدید می شود. پس از گذشت ۱۵ روز اول استاننداری شهردار را به تهران فرستاده و الان مدت چند هفته است و ماهیچ گونه حقوقی دریافت نکرده ایم و این حقوقی که همگی میگیریم آنقدر ناچیز است که زندگی ما بسختی میگذرد.

اکثر کارگران شهرداری دارای ۳۶ سال، ۲۰ سال، ۱۲ سال، سابقه خدمت هستند و حقوق ماهیانه آنها ۱۲۰۰ تومان الی ۱۳۰۰ تومان می باشد. ما باید ماهانه ۵۰۰ تومان و بیشتر کرایه منزل بدهیم و کولر در مناطق جنوب مثل بوشهر که گرمای آن ۴۰-۴۵ درجه می باشد، جزء لازمه زندگی همه مردم است، ما نداریم. چه رسد باینکه ماهیانه بخوایم مبلغ زیادی بخاطر مصرف برق آن بدهیم. شبها زیر شرجی و گرمای طاقت فرسا روی پشت بامها میخوابیم. همیشه چشم بر راه هستیم که کار اضافی مثل تمیز کردن حیاط و برداشتن خاک های اضافی بعد از ساعت کار بکنیم تا کمکی به حقوق ما بشود. پس اندازی هم نداریم که بتوانیم خرج خانواده را بدهیم و فقط منتظر سر ماه هستیم که معمولاً ۲۴ یا ۳۶ روز میگذرد تا حق ناچیز خود را دریافت داریم.

میگفت: کارگرانی هم هستند که در کپر زندگی میکنند و گاهی هم از طرف کمیته مقداری غذای آنها می دهند، آنها هم با ما کار می کنند و مثل ما همیشه ظرها زیر این درختها می خوابند، چون کرایه رفت و آمد را نداریم، مجبوریم با یک تکه نان و پنیر یا گاهی هندوانه سر کنیم. ما از دولت میخوایم هر چه زودتر به وضع حقوق ما رسیدگی کند، تا زندگی ما سروسامانی پیدا کند.

### کارگران و ...

بقیه از صفحه ۳

پس بیایید ببینیم اصولاً پس میلیونرها چطور می‌توانند میلیونرها شوند؟ آیا آنها در وقت تولد با جیبهای پر از اسکناس متولد شده اند؟ البته نه، البته بعضیها هستند که در وقت تولد هم پولدار بوده اند یعنی پدرشان میلیونر بوده یا مادرشان و یا خلاصه یکی از فامیلیها که برای آنها ارث زیادی گذاشته. اما عده دیگری هم هستند که "خودشان" میلیونر شده اند. بنابراین ما با دو دسته آدم میلیونر طرف هستیم، یکی آنها که پولشان را ارث برده اند، و یکی هم آنها که خودشان بیک شکلی آنها بدست آورده اند. مثلاً آن کسی که پولش را از پدرش به ارث برده آیا پدرش هم میلیونر متولد شده؟ اگر اینطور است پدر بزرگش چطور؟ اگر بتدریج به عقب برگردیم، بالاخره به یکی از اجداد او میرسیم که بولی به ارث نبرده (آه در بساط نداشته) و آنها با اصطلاح "خودش" بدست آورده. آنوقت باید سؤال کرد این آدم که ارثی نداشته پولهایش را از کجا آورده؟ پس ببینیم اصلاً راههای پولدار شدن برای آدمی که بول ندارد چه هستند؟ ظاهراً یکی این است که آدمی کار بکند و پولهایش را رویهم بگذارد و یکی دیگر هم اینست که راهی پیدا کند و پولهای اموال دیگران را بدزدد. راه سومی وجود ندارد. خوب آیا با جمع کردن پول کسی می‌تواند میلیونر شود؟ اگر اینطور است پس چرا همه زحمتکشان که اینهمه هم کار میکنند میلیونر نمی‌شوند؟ لابد میگوئید آنها آنقدر حقوق نمیگیرند که کفاف خرجشان را بدهد آنوقت چطور میتوانند پول ذخیره کنند؟ پس این آدمی که میلیونر شده، چطور است اینکار را کرده؟ جوابش اینست که این آدم اگر دزدی نکرده باشد حتماً بکجوری آدمهای دیگر را وادار کرده که برایش کار بکنند. آنوقت از مخارج زندگی آنها زده و آنها بحیب خودش ریخته و بتدریج میلیونر شده. مثلاً یک آدم قلمچاق آمده دونفر را بزور وادار کرده که یک تکه زمین را که مال هیچکس هم نبوده شخم زنند، گندم بکارند بعد وقت

پس چکار میکند؟ آنها میفروشند و پولدار میشوند. البته وقتی این آدم "پولدار" شد به اصطلاح "سرمایه" ای داشت میتواند بک قطعه زمین بخرد دوتا آدم فقیر دیگر هم پیدا کند و آنها را اجیر کند که زمین را بکارند. باین طریق سال بعد محصول اواز زمینها دو برابر میشود. در حالیکه اینبار چهار زارع نیمه گرسنه برایش کار میکنند. به اینطریق کسانی که روی زمینش کار میکنند، همانطور گرسنه میمانند در حالیکه او بتدریج آنقدر پولهایش زیاد میشود که میلیونر میشود.

بعضیها میگویند همه افراد هم که پولدار شده اند، قلمچاق نبوده اند و بعضیها کار زیاد و بیانداز کردن پولدار شده اند. خوب بیایید فرض کنیم کارگری روزی ۸ ساعت کار میکنند و ۶ تومان میگیرد. فرض کنیم که خرج او روزی ۴۰ تومان است پس روزی ۲۰ تومان پس انداز میکند. حالا ببینیم او اگر بخواهد حتی یک میلیون تومان ذخیره کند چقدر طول میکشد. اگر روزهای جمعه را هم کار کند و مریض هم نشود و ازدواج هم نکند مدت ۵۰۰۰۰ روز یعنی ۱۳۷ سال طول میکشد! خوب پس چطور می‌تواند میلیونر شود؟ حالا فرض کنیم این آدم خیلی قوی است، می‌تواند روزی ۱۶ ساعت کار کند. آنوقت میتواند در شرایطی که گفتیم روزی ۸۰ تومان پس انداز کند. در اینصورت برای پس انداز کردن یک میلیون تومان چقدر باید کار کند؟ حساب کنید، میشود بیش از ۳۴ سال! یعنی ۳۴ سال بدون یک روز تعطیل روزی ۱۶ ساعت باید کار بکند تا یک میلیون تومان ذخیره کند! تازه بعد از ۳۴ سال قیمت اجناس آنقدر بالا رفته که یک میلیون تومان ارزش ۱۰۰۰۰۰ تومان امروز را خواهد داشت. یعنی با پس انداز کردن هیچ کارگری نمیتواند میلیونر شود. پس این آدم چطور می‌تواند میلیونر شده؟ مسلماً بدانید که یکی از این دو راه را طی کرده: یا پول کسی را دزدیده و یا اینکه همانطور که در مثال بالا دیدیم از کار عده ای زحمتکش سود برده یعنی یا با زور و یا از دیگران بهره کشی کرده یعنی از طریق استثمار کردن دیگران

### رنجبر

## گزارشی از

# سیستان (۱)

یکی از خوانندگان، گزارش مفصل و جامعی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سیستان برایمان فرستاده است. بعلمت طولانی بودن نوشته، ما آنرا چند بخش کرده و در چند شماره منتشر می‌کنیم. این گزارش، گویای مسائلی است که انقلاب ما در مسیر حرکت خود، باید به آنها جواب گوید تا بتواند ایران عزیز را از این وضع اسف بار رها سازد.

\* \* \*

سیستان، شامل زابل و مجموعه روستاها و بخش‌های آن است. زابل در ۲۲۵ کیلومتری زاهدان و در شمال شرقی آن واقع شده است. در این منطقه، از راه آسفالت اصلاً خبری نیست و تا زه خیال دارند که راه زاهدان - زابل را آسفالت کنند.

جمعیت زابل طبق سرشماری سال ۴۵، ۲۹ هزار نفر برآورد شده است. قبلاً ۹۰ درصد جمعیت سیستان در روستاها بودند و فقط ده درصد در زابل زندگی می‌کردند. اما پس از خشکسالی، مردم به شهرهای دیگر ایران و زابل مهاجرت کردند و روستاها خالی شد و اکنون اگر در منطقه سیستان گشتی بزنیم، بسیاری از روستاها را متروک می‌یابیم. درصدی از بلوچ‌ها هم که کمتر از زابلی‌ها هستند، در سیستان همراه با آنها زندگی می‌کنند و از آنجائی که دردمشترک دارند، در کشاورزی و دامپروری با یکدیگر در دو پایوند خونی که با ازدواج‌ها بوجود آمده، درهم ادغام شده‌اند. \* تگاهی گذر ایستگاهها، بخش‌ها و کشاورزی سیستان

### کارخانه چوکا ...

بقیه از صفحه ۳

به‌گردن مجتمع چوکا یعنی دولت و بقیه زدن حقوق کارگران بود. آنها کارگران فیلیپینی و کره‌ای را با حقوق‌های چند برابر کارگران ایرانی استخفام

سیستان تقریباً ۶۰۰ روستا دارد که هر یک نزدیک بهم و در فاصله یک کیلومتری از هم قرار دارند. در این روستاها از ۵ تا ۵۰ خانوار (۲۵ تا ۲۵۰ نفر) در شرایطی بسیار سخت و نامساعد، کاری شبیه به "زندگی کردن" را تجربه می‌کنند.

برای این ۶۰۰ روستا و خود زابل، فقط یک بیمارستان ۴۰ تختخوابی وجود دارد. مردم از روستاها، صبح زود راه می‌افتند. با پای پیاده یا روی کول‌بیماران خود را به شهر می‌رسانند و در صف‌های طولیل منتظر دکتر و نوبت خود می‌شوند. در این تنها بیمارستان منطقه هم به روستائیان نمی‌رسند و اصولاً یک یا چند دکتر که متخصص هم نیستند، نمی‌توانند جوابگوی اینهمه بیمار باشند و سیستانی زحمتکش مجبور است که سرگردان، از سرکار خود نیز بیاماند و علاوه بر بیماری، گرسنگی ناشی از یکی دوروزیکاری راهم متحمل شود. در روستاها که صنایع نیستند، نامی از بیمارستان و بهداشت و درمانگاه و دکتر برسد.

کارخانه بعلمت وابستگی شدید بخارج بحالت نیمه تعطیل درآمد. کارگران و کارمندان بسیاری رسیدگی به مشکلات خود بعد از یک تصفیه شورای رازیبین افراد صالح انتخاب نمودند و دولت جمهوری اسلامی با پرداخت حق و حقوق عقب افتاده کارگران

می‌شود. کمیودکلاس حتی در زابل هم دیده می‌شود. بدردمدرسها راهنمایی دخترانه ایراندهست، زابل و کادستان پسرانه انقلاب آنجا، به علمت کمیودکلاس از چادر استفاده می‌کنند. بدو دبیرستان پسرانه در زابل با یک جوابگوی تمام دانش آموزانی باشد که برای ادامه تحصیل از ۶۰۰۰ بخش و روستا به آنجا می‌روند. کمیودمعلم و معلم با تجربه هم تا زگی ندارد و در تمام روستاها، بخش‌ها و زابل به چشم می‌خورد.

### بادهای ۱۲۰ روزه زابل :

بادهای ۱۲۰ روزه زابل هم یکی از مشکلات هر ساله مردم سیستان است. این بادهای از اوایل خرداد ماه شروع و تا اوایل مهرماه ادامه دارد. این بادهای شدید هستند و ریگهای فراوانی را به شهرها و روستاها می‌آورند. نهرها را پر می‌کنند که دهقانان ناچارند هر ساله آنها را لایروبی کنند. شدت حرکت این ریگها بعضی مواقع به حدی است که خانه‌ها را به زیر ریگ می‌برد و سیستانیها ناچارند خانه دیگری را با رنج و مشقت فراوان برای خود تدارک ببینند. واضح است که محصولات کشاورزی ای که در این فصل روی زمین هستند، نمی‌توانند از آسیب این بادهای مصون بمانند و اغلب از بین می‌روند.

زمین‌های کشاورزی سیستان بسیار حاصلخیز است ولی با کمیود شدید آب مواجه هستند. لایه‌های رسوبی طوری است که در عمق یک متری آب جمع میشود، حال آنکه ممکن است که در عمق ده متری نیاشد. هر چند سال یکبار آب در لایه‌های هیرمند کم میشود که این یا به علمت کمی بارندگی در کوههای افغانستان است و یا جلوی آب را از افغانستان میگیرند. یکی از این موارد، قحطی سال ۴۹ سیستان است که ضربه بزرگی بر پیکر اقتصاد کشاورزی مردم منطقه وارد آورد.

کاره مانده اند به اتمام برساند انجام این عمل مستلزم آوردن چند متخصص است تا بتواند تعمیرات تضمین شده را انجام داده و مقدار تولید را که در قرارداد آمده است تأمین نماید و همچنین دستگاههای حساسی را که بر اثر زلزله‌های بقدرت ۵ درجه ریشتر

و ادار کرده که یک تکه زمین را که مال هیچکس هم نبوده شخم بزنند و گندم بکارند بعد وقت محصول آمده گندمها را برداشته و فقط آنقدر برای دوتا کشا ورز گذاشته که آنها بتوانند زنده بمانند و بقیه اش را خودش برده . اگر قرار بود محصول بین هر سه تا و خانواده های آنها تقسیم شود همه میتوانستند مقدار زیادی گندم داشته باشند و با فروش آن خوب بخورند و بیوشند . اما وقتی بیشتر محصول را آن آدم قلچماق برداشت از یک طرف دوتا کشا ورز نصف سال را مجبورند با گرسنگی و نان خالی بگذرانند و از طرف دیگر آدم قلچماق آنقدر گندم خواهد داشت که بذرش نمیخورد .

**خواسته های کارگران ...**

- بقیه از صفحه ۳
- ۳- با در نظر گرفتن قیمت اجناس ، آنها روزانه ۴۵۰-۲۰۰ ریال مزد میگیرند ، آنها میگویند دولت باید حداقل زندگی را برای ما تامین نماید (زندگی حداقل ۴ نفر را) ، آنها میگویند حاضرند با حق مسکن (حقوق و حق مسکن) روزی ۸۰۰ ریال مزد بگیرند .
  - ۴- آنها میگویند اگر ۸۰۰ ریال بدهند تنها حق مسکن بلکه جیره خشک هم میخواهند .
  - ۵- به برخی از کارگران که حدود ۹ سال است در شرکت کار میکنند بیمه تعلق نگرفته با این همه شرکت حق بیمه را از کارگران کسر میکند ( ۷٪ حق بیمه از حقوق کسر میکند ) .
  - ۶- در مورد نگرهبانان این شرکت : دفتر شرکت طبق قرار قبلی باید شبانه ۵۰۰ ریال به نگرهبانان بدهد ولی حال نگرهبانان شب و روز آنجا هستند و ۵۰۰ ریال میگیرند ، تعطیلات هم ندارند ( این نگرهبانان دوفرنند ) . خواست آنها استفاده از تعطیلات با حقوق است .
  - ۷- بناهایی که آنجا کار میکنند به نسبت تخصصشان خواستار حداقل ۱۲۰۰ و حداکثر ۱۷۰۰ ریال هستند .
  - ۸- نجاری که در شرکت کار

برده یعنی یا با زور و یا از دیگران بهره کشی کرده و یعنی از طریق استثمار کردن دیگران میلیونر شده . بعضی ها ممکن است بگویند خوب شرایط قدیم که مثل حالا نبود ، در قدیم میشد پول را بدون دزدیدن از دیگران یا بهره کشی از زحمتکش (استثمار) بدست آورد . خوب بیایید ، چند هزار سال بعقب برگردیم و بتدریج وضع اجتماعات دنیا را یکی یکی بررسی کنیم . آیا آدم یولدار و آدم فقیر همیشه وجود داشته اند؟ آیا همیشه عده ای بیگارا ز یک عده زحمتکش بهره کشی کرده اند؟ جواب این سئوالها را در شماره های بعد خواهیم داد .

میکند خواستار ۱۲۰۰ ریال حقوق است در رابطه با رسیدگی به محیط کار و لباس کارگران . تا حال حتی کمی آب خنک به آنها ندادند ( به بهانه های مختلف ) . کارگران بدون دستکش و لباس کار و کلاه حفاظتی هستند و یک کسی از خواستهای آنها تهیه لباس کار و دستکش و کلاه حفاظتی است . ما معتقدیم خواسته های کارگران "آرتی پیکو" بحق است . زحمتکشان حق دارند که در مقابل کار طاقت فرسا از یک زندگی مرفه برخوردار باشند . آنها تنها با وحدت و متشکل شدن در اتحادیه ها و سایر سازمانهای طبقاتی خویش و در اتحاد با سایر زحمتکشان و خلق است که میتوانند قدم بقدیم به خواستهای کوتاه مدت و دراز مدت خویش دست یابند .

**نشانی دفتر رنجبر تهران - خیابان مصدق پائین تر از امیراکرم - کوی گودرز پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹**

**نشانی پستی رنجبر - تهران صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴**

بود . آنها کارگران فیلیپینی و کره ای را با حقوق های چند برابر کارگران ایرانی استخردام می کردند . در قسمت تصفیه آب کسه احتیاجی به مهندسین خارجی نبود ، چند نفر را به کارگمارده بودند ، همچنین قسمت کاغذکته احتیاج به ۳ نفر متخصص داشت بوسیله پانزده نفر از آنها اداره میشد ، در مورد تعمیرکارخانه ، شرکت "استدلر" موظف بود تمام قراردادهای تعمیرات را انجام دهد و با اصطلاح کارخانه دارای امتیاز یا ضمانت تعمیر بود ولی این قراردادها هیچ وقت اجرا نشد ، قراردادی نیز در دست تهیه بود که یک کارخانه یک میلیارد تومانی برای صدور چوبهای مرغوب جنگلهای ایران ایجاد کنند اما خوشبختانه به یمن انقلاب مردم ایران برعلیه سلطه امپریالیسم ، این قراردادها هم باطل شد .

بعد از پیروزی انقلاب

**یک پیروزی دیگر**

بقیه از صفحه ۸

برای این ، حزب معتقد است که تئوری ما ثوسه دون در زمینه "ادامه انقلاب تحت دیکتاتور پرولتاریا" یکی از زیرارزش ترین تئوریهای مارکسیستی - لنینیستی میباشد و ما رکیسیم - لنینیسم را در این زمینه تکامل داده است .

\* مرزبندی با رویزیونیسم در هر بخش از جامعه .

\* مبارزه برعلیه "کمونیسم اروپائی" . رشد این جریان رویزیونیستی از یک سو نمودار شکاف در جبهه سوسیال امپریالیسم بوده و از سوی دیگر جاده را برای "سوسیال دمکراسی" هموار میکند . این جریان از یک سو مرزبندی دقیق با سوسیال امپریالیسم ندارد و از سوی دیگر آلتی در دست امپریالیسم آمریکا میباشد . طرفداران "کمونیسم اروپائی" در مقابل ایجاد یک جبهه واحد برعلیه دوا بر قدرت که یکی از ضرورت های اساسی مبارزه ضد

افراد صالح انتخاب نمودند و دولت جمهوری اسلامی با پرداخت حق و حقوق عقب افتاده کارگران بوسیله شورا توانست مقداری از مشکلات مالی کارگران را برطرف نماید . در حال حاضر تاسیسات بحال تعطیل است ، اما اکثر کارگران در کارگاه ها حاضر میشوند و شورا بطریق مختلف سعی در برآورد انداختن کارخانه دارد . در مورد انتخاب مدیر عامل شرکت چگون دولت خواستار تهیه لیستی از مخارج مجتمع است از اینبند کسی این امر پیچیده را قبول نمی کند . در تاریخ ۵۸/۴/۱۰ جلسه شورا تشکیل و در این جلسه پیشنهاد شد که از بین افراد متخصص به امور مدیریت سه نفر را بعنوان مدیر عامل انتخاب کرده و این گروه با شورا و زیر نظر آن دارای قدرت اجرایی باشد ، این تصمیم تحرکی را برای شروع کار کارخانه فراهم آورد . در این جلسه تصمیم گرفته شد تاسیساتی با "استدلر" گرفته شود تا قراردادهای راکه با این کارخانه بسته شده است و نیمه

امپریالیستی دوران ماسکت سرسختانه مقاومت میکنند .

\* "حزب کارگران اسپانیا" مبارزه برعلیه همونیسم (سلطه جوئیستی) را عملا مبارزه ای بر علیه شوروی میداند ، با وجود این آمریکا دشمن اصلی "خارجی" خلقهای اسپانیا میباشد .

اتحاد دوسا زمان انقلابی

**از دانشجویان مبارز ...**

و جریان دفاع از دانشجویان دستگیر شده را کنفدراسیون جهانی با کمک ایرانیان میهن پرست دیگر به پیش میبرد .

\* \* \*

ما ضمن پشتیبانی از خواستهای بحق دانشجویان ایرانی و محکوم کردن اقدامات دولت آلمان ، از دولت موقت مصرانه میخواهیم که اقدامات فوری برای آزادی و جلوگیری از اخراج دانشجویان بعمل آورد . دولت موقت در این مورد مسئولیت درجه اول دارد .

آمده است تا همین دستگاها های حساسی را که بر اثر زلزله ای بقدرت ۵ درجه ریشتر که در منطقه رخ داده و دستگاها را از تراز خارج کرده است ، دوباره تراز کند . شورا هم چنین تصویب کرده است که این مهندسین خارجی پس از اتمام کار به کشور خود بازگردند و تا کید کرده است که هرگونه قرارداد ، تماس ، معامله و آوردن مهندسین خارجی باید بوسیله خود چوکا وزیر نظر این شورا که نماینده کارگران و کارمندان می باشد انجام گیرد و مهندسین ایرانی نظارت کامل بر متخصصین خارجی داشته باشند مثل زمان قبل از انقلاب که کاملاً برعکس بود . ما امیدواریم که این شورا با راندن ختن جرخهای کارخانه که در حال حاضر بیش از ۵ هزار کارگر و کارمند دارد ، گام بزرگی در جهت تامین رشد اقتصادی ، خودکفائی و عدم وابستگی کارخانه به خارج و مراستقلال کشور و تامین رفاه و بهبود شرایط کاروندگی کارگران و کارمندان بردارد .

مذکور یکی از جدی ترین موفقیت های ما رکیست - لنینیستها در سالهای اخیر است ، بویژه اینکه دوسا زمان مذکور را رای پایسه توده ای وسیعی برده و در انتخابات گذشته ۵۰۰ نماینده در سطح مجالس شهری و ۴۰ شهردار و تعداد زیادی نماینده در مجالس سطح استان داشته اند .

**اعتصاب \*\*\***

شده را با مدرک به شما بدهم و سپس از تاکسیرانان خواهش کرد که محوطه استاننداری را ترک کرده و راه را باز کنند . پس از آن رانندگان با شعار (درود بر خمینی) محوطه را ترک کرده و به سرکار خود رفتند و به این ترتیب اعتصاب سه ساعته رانندگان پایان یافت . ما بنوبه خود از خواسته های بحق تاکسیرانان شیراز پشتیبانی میکنیم و از مقامات مسئول میخواهیم که خواستهای بحق این زحمتکشان را سریعاً برآورده سازند .



# تأسیس اتحادیه دهقانان و خوش نشینان

## ۳۱ آبادی کردستان

کشاورزان شرکت داشته باشد . .  
 ۱۶- تأسیس کارخانه و با زگشتن دست به کار کردن شرکتها در منطقه .  
 ۱۷- تأسیس نمودن مدارس راهنمایی در منطقه .  
 ۱۸- پشتیبانی خود را از اتحادیه کارگران شهری اعلام میداریم .  
 ۱۹- مدیرعامل شرکت تعاونی باید از روستائیان باشد و به انتخاب ایشان و تأیید اتحادیه دهقانان فرستاده شود .  
 ۲۰- هر کس که در منطقه فعال نا روا و ضد مردمی انجام دهد از طرف اتحادیه سرکوب خواهد شد .  
 ۲۱- رسیدگی به وضعیت خانواده های بدون سرپرست و بی بضاعت را خواستاریم .  
 ۲۲- برای بدست آوردن خواسته های ذکر شده تا آخرین قطره خون خودمان ایستادگی خواهیم کرد .  
 ما تشکیل این اتحادیه را به دهقانان و خوش نشینان روستاهای قرغان ، شیخ علی، درماده، تکان لوجه ، کهریزه ، کهنه ملالسر، یادآباد علیا، شوری جبهه، زگ دراو، کجک وطیمش ، قلعه جوغه ، کانی طومار ، باجه وند، لگز ، قلعه ، تنک بالکبه ، قازانسر ، کانی کوتر ، وطیمش ، قره بلاغ ، قلات ، قمبره ، غوث آباد، فراسانه ، قزله علیا ، جاجی علی کند، و دیگر روستاها تیریک گفته و برای این زحمتکشان روستائی پیروزی در بدست آوردن خواسته های بحقشان را آرزو میکنیم .

بسم الله الرحمن الرحيم  
 تشکیل جلسه و تأسیس اتحادیه دهقانان و خوش نشینان در آبادی وطیمش در مورخه ۵۸/۲/۴ .  
 اینجا بنان امضاء کنندگان و نامبردگان ذیل ورقه که هر یک نمایندگی یک آبادی داریم .  
 در بین خودمان آقایان ملامصطفی آرمین و ملامصطفی سرلیله و رحیم امین پور و رحمان رحمانیا و عمر رمضان پور را به نمایندگی تمام نمایندگان انتخاب نمودیم . به امید اینکه از قطعنامه های ذکر شده پشتیبانی و فعالیت بنمایند .  
 ۱- به تعداد جمعیت اتحادیه که ۳۱ آبادی میباشد با جان و دل تا آخرین قطره خون برای حق تعیین سرنوشت و خودمختاری کردستان میکوشیم .  
 ۲- ما پشتیبانی خود را از آیت الله شیخ عزالدین حسینی بعیت اینکه پشتیبانی خود را از خلق زحمتکش بیان نموده اعلام میداریم .  
 ۳- از قطعنامه ماده ای مهاباد و سندج که آیت الله شیخ عزالدین در اس آنها قرارداد پشتیبانی میکنیم .  
 ۴- تأسیس پاسگاه های محلی باید به انتخاب خودآبادی نشینان باشد و افراد مسئول پاسگاه باید از روستائیان منطقه انتخاب شوند .  
 ۵- بخشدار چون کارش مربوط به امورات روستائیان است باید از طرف روستائیان انتخاب شود .  
 ۶- تأسیس بهداشت و دراست کردن حمام و کشیدن برق و جاده برای منطقه .



# در روستاها

## کارکنان وزارت کشاورزی

# جنبش خدمت به روستا

گذاشتن همه مشکلات موجود در این راه با شرکت ۳ نفر از اطلبان انجام گرفت ، محیط گرم و ساکنه و شور و شوق دا و طلبین به کار عملی مژده شروع یک حرکت نوین و خلاق در محیط کارمندان وزارت کشاورزی فارغ از درگیریهای دست و پا گیر اداری رامی داد .  
 این عده عصرین جنبه و تمام روز جمعاً در مزارع بنیاد مستضعفین واقع در خرمدره جهت کمک به کارگران مزارع و به بالا بردن سطح تولیدات این مزارع بکار مشغول بودند .  
 حرکت اولیه این جمعیت با استقبال کارمندان روستا و گردید و در دومین سفر به منطقه نزدیک به ۶۰ نفر دا و طلب شرکت کردند و در مزارع و باغات به هرس و وجین و آبیاری و جمع آوری یونجه مشغول شدند .  
 از اهداف حرکت دا و طلبانه این عده تشویق کارمندان وزارتخانه برای تناس هر چه مستقیم تر با رعایت و محیط ده و مصرف نیروهای خلاق بیکار روز ارتخانه در راه بالابردن هر چه بیشتر سطح تولیدات کشاورزی و کمک به استقلال اقتصادی کشور و در نهایت بهسازی روستاها می باشد .

مدتی است که عده ای از کارکنان وزارت کشاورزی جنبشی را برای رفتن به روستا و شرکت در امر تولید بپا کرده اند . این امر نمونه دیگری از شکوفایی ابتکارات خلق پس از انقلاب ، برای نوسازی کشور است .  
 کارکنان وزارت کشاورزی از پشت میزها برخاسته و با کار بدنی در روستا به امر بالابردن تولید ، نوسازی خود و شناختن و یادگیری از زحمتکشان پرداخته اند . این گامی است در این راه که وزارت کشاورزی از یک دستگاه بوروکراتیک و جدا از تنوده ها ، به ارگانی در خدمت زحمتکشان روستا و خودکفائی غذایی ایران درآید .  
 گزارشی از این پدیده ای امیدبخش را از نشریه "وجین" (نشریه مستقل کارکنان وزارت کشاورزی - شماره ۴) نقل میکنیم :  
 "دو هفته ایست که عده ای از کارمندان وزارتخانه به همست جمعیت دا و طلبان خدمت در روستاها " ، پنجشنبه و جمعه خود را در مزارع به امر بالابردن هر چه بیشتر تولیدات می گذرانند . تجربه اول این جمعیت بعد از پشت سر

# خواسته های آموزگاران عشایر فارس

جان نثاران امضا کنندگان زیر آموزگاران روزمزد آموزش عشایر استان فارس بر اینکه عنا ییات زعیم عالیقدر ما محبتی و جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر انقلابی ایران و آنجناب همیشه پشتیبان طبقه محرومین بوده و هدایت آنان را در رفاه و آسایش دانسته اند .  
 حقیران هر کدا مدد رای زن و بچه و مدت سه سال بطور روزمزد در این دانشسرا مشغول تدریس بوده ایم حال که دانش آموزان بوده ایم الحال که رژیم طاغوتی سرنگ شده

عده ای از معلمان روزمزد عشایری فارس ضمن برخورد با خبرنگار ما در شیراز فتوکپی نامه ای را که برای احقاق حقوق خود به استانداری و فرمانداری شیراز نوشته اند ، به خبرنگار ما برای درج در "رنجبر" دادند .  
 بیشترین معلمان دوتاسه سال را بطور روزمزد به کار سواد آموزی در دهات عشایر نشین پرداخته و با کمترین مزد یعنی از بیست تا سی تومان در روز ساخته اند و اکنون که انقلاب پیروز شده اداره آماه ، عشاق قصد اخراج آنان

# \* در افشای آناقلیچ نقش بنیدی \*

برداشتن محصول ، از یک طرف به ملت ایران نشان دهند که آنان هم برای مبارزه علیه امپریالیسم و قطع وابستگی اقتصادی و کشاورزی سطح تولید را بالا برده اند و از طرف دیگر میخواستند تا با فروش آن به دولت ، در صد بسیار زیادی از آن را صرف آبادانی روستاهای خود بکنند ، بالاخره پس از تلاش صادق نمائندگان ، خلعت تکمیل

تهران با کمک فتودال های گنبد و ترکمن صحرا برای جلوگیری از نفوذ شورا های دهقانی در ترکمن صحرا ، شروع به توطئه می کند . پس از انقلاب ، شورا های دهقانی توسط ریش سفیدان و دهقانان و با همکاری ستاد شورا های ترکمن صحرا در بسیاری از روستاهای ترکمن صحرا تشکیل شد . هدف این شوراها ، کاشت هر چه سرعت عقب نمائند ، اما

روز یکشنبه ۵۸/۴/۲۴ ، دعوت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ، اجتماعی در حدود ۱۵ هزار نفر در گنبد تشکیل شد . علت این گرد هم آئی اعتراض به بازگشت آناقلیچ آخوند نقشبندی روحانی نمای ترکمن و شروع توطئه ها بی از طرف سرمایه داران و فتودال های بزرگ منطقه ، بود . آناقلیچ آخوند نقشبندی کیست ؟

پیداخته و با تمرین مزدبختی از بیست تا سی تومان در روز ساخته اند و اکنون که انقلاب پیروز شده اداره آموزش عشا یرقصد اخراج آنان را به بهانه نداشتن کسارت معافیت سربازی، دارد.

ما از خواهشهای بحق ایمن آموزگاران زحمتکش عشا ییبری پشتیبانی می کنیم و از دولت موقت و استانداری فارس می خواهیم که به خواهشهای بحق ایمن آموزگاران توجه کند. در ضمن از همکاری و محبت آنان نسبت به نشریه خودشان رنجبر تشکر می کنیم و از آنان می خواهیم که با زهم از مشکلات و خواهشهایشان برایمان بنویسند.

۱۳۵۸/۵/۴

بسمه تعالی  
حضور محترم وزیر محترم آموزش  
و پرورش انقلاب جمهوری اسلامی  
ایران  
محترماً بعرض میرساند

## اعلام جرم دهقانان قلات (فارس)

دهقانان است ما سالها بر روی آنان زحمت کشیده ایم و حال این مفتخوران می خواهند از چنگ ما در بیاورند. اینها فکر می کنند که زمان رژیم طاغوتی است که بتوانند حق ما را بخورند ما نمی گذاریم و تا حتماً را نگیریم از اینجا تکان نمی خوریم".

بالاخره پس از ساعتی مذاکره با استانداری فارس از ایشان قول رسیدگی گرفتند و سپس برای ادامه اعتراض خود به اداره ثبت رفتند و به این ترتیب دهقانان با اتحاد و یک پارچگی خود نشان دادند که دیگر زحمتکاران طاغوت نیست که این مفتخوران حقمان را بخورند و نتوانند حرف خودشان را بزنند. البته اقدامات موثر و ریشه ای دولت در این باره در آینده تعیین کننده است. شعارهای تو خالی ببرد دهقانان و زحمتکشان نمی خوره فقط عمل دولت انقلاب مهم است. ما در شماره های آینده نتیجه عملی این مسئله را به استحضار خوانندگان می رسانیم.

توطئه هایی از طرف سرمایه داران و فئودال های بزرگ منطقه، بود. آناتلیج آخوند نقشبندی کیست؟

آنا قلیج آخوند نقشبندی روحانی نمای ترکمن است که سالها در خدمت رژیم و ساواک بوده است. او چماق و وسیله ای برای سرکوب و عدم رشد مردم برای شرکت در انقلاب و جلوگیری از مبارزات آنها علیه رژیم بود و علاوه بر آن با تفسیرهای گوناگون و من در آوردی از قرآن و آوردن احادیث جعلی به ثنا گویی شاه و تعریف و تمجید از خاندان پهلوی می پرداخت.

او در تاریخ ۲۵ بهمن ۵۷، عده ای از چماق بدستان را که اکثراً از روستائیان ترکمن بودند، به رهبری خودش، بر علیه مردم مبارز گنبد می شوراند که علاوه بر تخریب و غارت، موجب شهادت ۶ تن می شوند. در این روز در حدود ۵۰ نفر از جوانان ترکمن با سنگ به ماشین وانتهی که نقشبندی و چند روحانی نمای دیگر در آن بودند حمله می کنند که آنان پایه قرار می گذارند. قرار بود که دوباره چماق بدستان و عده ای از عاملین فئودال های بزرگ و طرفداران شاه چون هژیر یزادنی ها، تیمسار مزین ها، قره باغی ها و آتابای ها و... تحت رهبری نقشبندی که با کمک ژاندارمری بسیج و مسلح شده بودند، در تاریخ ۲۲ بهمن ویا بعد از آن حمله گسترده ای راهم زمان با تهران و شهرهای دیگر، به شهرهای گنبد، آزادشهر (شاه پسند سابق) و گرگان بکنند که با اوج گیری انقلاب مردم در ۲۱ و ۲۲ بهمن در تهران و شهرستانها اینکار عملی نشد.

پس از پیروزی انقلاب، نقشبندی به سرعت نزد امام خمینی می رود و خود را رهبر مذهبی و نماینده خلق ترکمن معرفی میکند و امام و دولت هم به علت عدم آگاهی از سوابق وی او را می پذیرند و این عمل باعث بوجود آمدن بدبینی در میان خلق ترکمن می شود.

نقشبندی پس از بازگشت از

شوراهای ترکمن صحرا در بسیاری از روستاهای ترکمن صحرا تشکیل شد. هدف این شوراهای، کاشت هر چه سریعتر و عقب نماندن از زمان کشت و کنترل زمین هایی بود که فئودال ها قبلاً با استفاده از ژاندارمری از روستائیان ترکمن به زور گرفته بودند و سپس از فرار آنها، شوراها تصمیم گرفتند تا برای بالا بردن سطح زیر کشت و کم شدن وابستگی مایه خارج، آنها را اشتراکاً بکارند و سپس از برداشت محصول نسبت به تقسیم آن اقدام کنند.

نقشبندی در این زمان به پشتیبانی از فئودال ها بلند می شود و به مردم ترکمن که سالها زیر بار ظلم این فئودال ها زجر دیده بودند و روی زمین ها زحمت کشیده و جان داده بودند، می گوید که زمین ها غصبی است و روی آنها نکارید و از این نوع تبلیغات که با خشم روستائیان زحمتکش ترکمن مواحه شد، وقتیکه این نقشه برای تخریب در امر کشاورزی و اخلاص در گرفتن حق شان نگرفت، او دست به توطئه با همکاری فئودال ها و وابستگان رژیم و ساواکی ها زد که نتیجه اش، جنگ تحمیلی گنبد به خلق ترکمن بود. در طی آن عده زیادی از خلق زحمتکش ترکمن و مردم بیگناه غیر ترکمن کشته و زخمی شدند. پس از این ماجرا با مدارکی که ترکمن ها علیه نقشبندی بدست آورده بودند، او فراری شد و تا مدتی پیدایش نبود و مخفی شده بود.

چندی پیش هنگام برداشت محصول، دولت اعلامیه ای صادر کرد که ترکمن ها حق برداشت محصول را ندارند و باید آن را به دولت واگذار کنند. ایمن اعلامیه و رفتار دولت باعث ناراحتی و عدم اطمینان هر چه بیشتر خلق ترکمن از دولت شد چرا که روستائیان زحمتکش ترکمن، پس از سالها که تحت ستم فرهنگی و اقتصادی و استثمار فئودال ها و زمین داران غاصب بودند، امسال می خواستند تا با

دولت، در صد بسیار زیادی از آن را صرف آبادانی روستاهای خود بکنند. بالاخره پس از تلاش زیاد نمایندگان خلق ترکمن، قرار شد که ۲۰ درصد از محصول زمینهای که در گذشت از دهقانان غصب شده و هنوز تحت تصرف مالکین غاصب میباشد، به روستائیان ترکمن داده شود که با توجه به نیاز و فقر شدید مردم منطقه و کمبودهای کلی از نظر آب، برق، درمانگاه، پزشک، مدرسه و راه، این ۲۰ درصد به هیچ وجه نمی تواند تکافوی احتیاجات مردم را بکند.

اکنون با بازگشت آناتلیج آخوند نقشبندی به منطقه و همزمان با آن زمزمه غصبی بودن ۲۰ درصد و تماس زیاد افراد ژاندارمری با زمین داران بزرگ ترکمن و غیر ترکمن و تشکیل جلسات مخفی با آنها در آق قلا (پهلوی دژ سابق) و با توجه به حمایتی که از طرف دولت و ژاندارمری و زمین داران از نقشبندی می شود و با توجه به مدارکی که موجود است و نشان میدهد که نقشبندی با رژیم و ساواک همکاری داشته و حتی نشان درجه ۳ حزب منحل رستاخیز هم به پاس فداکاری هائیکه در قیام ۲۸ مرداد از خود نشان داده دریافت کرده و با توجه به اینکه حمله چماق بدستان را رهبری کرده است، دولت هیچگونه اقدامی در جهت دستگیری و مجازات او نکرده است و این عمل احتمال بروز جنگ تحمیلی دیگری را نظیر آنچه که در گنبد قبلاً اتفاق افتاد تقویت می کند.

خواسته خلق ترکمن در مورد دستگیری و مجازات آناتلیج آخوند نقشبندی، روحانی نمای ساواکی مرتجع به حق است و ما از این خواسته پشتیبانی کرده و از دولت موقت مصرأ می خواهیم تا در جهت انجام این خواسته بحق خلق ترکمن دست به اقدام فوری بزند



# پیروزی شورای دهقانی «اسماعیل کل» (کرمانشاهان)



## عرضحال دهقانان «پیرکوه» (رودبار)

و در خانه نه نشسته بودم، حال هم خوب نبود. رفتم بیرون مردم گفتند که بچه ما رفته اند جلوی کمباین ها را گرفته اند و گفته اند این حق ماست که آقای اجاق آنرا گرفته شما درو نکنید تا به بینیم دادگاه حق را بچه کسی میدهد، ۱۰ تا ۱۵ بچه محصل بین ۱۴ تا ۱۵ سال بودند که جلوی کمباینها را گرفته و مانع درو آنها شدند این جزیان نزدیک صبح اتفاق افتاده بود. ۱۰ روز جلوتر از آمدن کمباین ما چنین شکایتی را تسلیم کمیته کرده بودیم، کمیته بما گفته بود که شما نمی توانید کاری بکنید و این قانون است یعنی این تقسیم بنا عا دلانه زمین در دوران با اصطلاحات ارضی مورد تأیید کمیته است و شما نباید علیه قانون کاری بکنید، آنروز خان اجاق آنجا بود (روزی که کمباین بچه ها میگوید که شما چرا جلوی کمباین را گرفته اید بیرون قانون اگر شما ها داد من هم سهم شما را میدهم. من میروم الان ما مورین کمیته را میاورم که شما را سرکوب کنند و پدرها یتان را به زندان بیاندازند" بچه ها میگویند "این حق ماست و ما نمی خواهیم زمینهای شما را بگیریم فقط زمینهای را که حق خود ما بوده و شما بضرب ساواک و ژاندارمری از ما گرفته اید می خواهیم روز بعد محمدخان با برادرش ابوالحسن اجاق و غیره ما مورین کمیته آمده اند، بهر حال روزی که ما مورین کمیته می آیند مردم اعتراض میکنند و جلوی فعالیت کمباین، را گرفته و حتی درگیری بوجود می آید و ما مورین کمیته آنها را ضد انقلاب خوانده و یکی از روستائیان میگوید "ما ضد انقلاب هستیم که میخواهیم حق خودمان را بگیریم یا شما که امروز در کنای محسن اجاق ایستاده اید؟ محسن اجاق که نماینده مجلس شورا بوده و... یک سری از این درگیریها انجام میگیرد و بالاخره روستائیان موفق میشوند محصولی که متعلق به این زمین بوده جمع کنند و گوشه ای بگذارند و اجازه ندهند کسی بآن دست زند، خود از این انبار گندم محافظت نمایند تا رای دادگاه صادر شود.

در حدود سه هفته پیش بر سر مسئله درو در روستای اسماعیل کل (کرمانشاهان) یک درگیری بوجود آمد. ما چرا از این قرار بود: مالک این ده شخصی است بنام محسن اجاق. او یکی از فقودالهای بزرگ منطقه سنجایی کرمانشاهان، وکیل پایه یک دادگستری، قاضی وکیل آخرین دوره مجلس منحل شده ضد خلقی شورا و از طرف مادری با غلامرضا بستگی دارد و مانند تمام سرسپردگان رژیم مورد نفرت شدید مردم است. زمانی که قاضی دادگستری بود بیش از صد پرونده از جنایاتکاران و فقودالها را بسته میگذارد، زنش دختر رفعت السلطنه پالیزی است، در دوران وکالت وکیل فقودالها و پولدارها بود، برادرش هم وقتی برای شکار به کرمانشاه میآمد در منزل محسن اجاق زندگی میکرده و منزلش هم عشرتکده اشراف بوده و در زمان طاغوت و حشمتناک ترین ستمها را در مورد روستائیان اعمال میکرده و هر گونه اعتراضی از جانب روستائیان را با کمک ژاندارها سرکوب میکرده. بسیارند دهقانانی که پس از خوردن کتک مفصل از ژاندارها، روزها در طول پله یا سگاه زندانی شدند. محسن اجاق سه آبادی بناهای "حاجی آباد"، "اسماعیل کل" و "شوربولاغ" دارد. جمع زمینهای او از این آبادیها ۱۲۰۰ هکتار است. کشتی اودیم و مکا نیزه است و در زمان با اصطلاح "اصلاحات ارضی" او تحت پوشش کشت مکا نیزه، قادر میشود که زمینهایش را حفظ کند. محسن اجاق در ده "اسماعیل کل"، ۴۰۰ هکتار را بهترین و حاصلخیزترین زمینها را برای خودش نگاه داشته است. وقتی که اصلاحات ارضی در این منطقه انجام میشود شامل آن مرحله اصلاحات ارضی شده که زمینهای نسق را به نسق داران اجازه میدادند و بابت جوار و پلاز محصول زیر کشت به محسن اجاق میرسید ولی محسن اجاق از طریق اعمال قدرت و زور سر نیزه ژاندارها و ساواک، بجای گرفتن محصول بابت اجازه، پلاز زمینهای نسق داران را میگیرد. در واقع

## نگاهی به محله های...

بقیه از صفحه ۸

مختلفی از جمله تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی - کامیون و اتومبیل - قالی بافی - ماهیگیری - گاری سازی و بنای مشغولند.

کمی در مورد تعمیرگاه بگوئیم: در این تعمیرگاهها و کارگاهها اغلب لوازم یدکی کمباین و تراکتور را خودشان می سازند حتی وسایلی که لوازم یدکی می سازند خودشان درست کرده اند آنها با دست خالی لوازمی که از خارج وارد می شود و به قیمت گران فروخته می شود در آنجا میسازند آنها قادرند کلیه قسمتهای یک کمباین را از جنس خیلی مرغوبتر اصلی آن، در آنجا بسازند.

"استاد توکل بای" یکی از قزاقهای با استعداد که دستگاه پرس فشار جالبی ساخته است میگوید: "اگر دولت سرمایه، ابزار در اختیار ما بگذارد ما خیلی وسایل بهتری می توانیم بسازیم که احتیاج نیست از خارج بیاورند. غربال کمباین که ما می سازیم ۱۵۰۰ تومان میفروشیم در حالی که همین غربال که زود هم از بین می رود و از خارج می آورند ۱۵۰۰۰ تومان در بازار میفروشند. ما بدون تحصیل و بدون مدرک این وسایل را ساخته ایم. ما تمام لوازمی که ساخته ایم با وسایل اولیه صورت گرفته است ما احتیاج به سرمایه و لوازم مانند تراش و جوش داریم... جوانهای اینجا علاقه زیادی به صنعت دارند. احتیاج دارند که به آنها کمک شود تا صنعت رشد کند..."

در سرتاسر بندر ترکمن یک پارک کودک وجود ندارد. در قزاق محله دبیرستان راهنمایی نیست و بچه ها مجبورند راه درازی را برای دبیرستان رفتن طی نمایند. آنها از اینکه در این محله هیچ قسمت آن بهداشتی نیست بسیار می گفتند حتی دامداری کوچکی هم که وجود دارد غیر بهداشتی است. آنها از هیچگونه بهداشت و درمانی برخوردار نیستند. در آنجا درمانگاه وجود ندارد.

در قزاق محله "بندر ترکمن هم" کانون فرهنگی "بوجود آمده که جوانان جهت اعتلاء فرهنگ خلق قزاق فعالیت زیادی دارند و آنها هم با کمبودهایی منجمه کتاب های مختلف و کتاب به زبان قزاقی روبرو هستند و از طرفی افرادی هم هستند که مخالف این کانونند.

هیچگونه امکانات ورزشی برای آنها وجود

## از دانشجویان مبارز...

اعلامیه بخش شده است، و کلاهی مترقی در برمن طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کردند که این دستگیریها غیر قانونی است. روزنامه های شهر برمن نیز اخبار مربوط به دستگیری ایرانیان را درج کرده اند.

کلن - در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه سوم مرداد (۲۵ ژوئیه)



کارگاه ساختن ابزار قالی بافی

ندارد. در حالی که در میان قزاقها قهرمانانی به پا خاسته که بسیار معروفند از جمله می توان آقای "ابوبکر پاوز" را نام برد. ایشان قهرمان پرتاب دیسک و نیزه و پرتاب چکش در سطح آموزشگاههای مازندران و کشوری بودند که هم اکنون مربی ورزش "گومیش تپه" هستند. آقای پاوز تصمیم داشتند در المپیک ۱۹۸۰ شرکت کنند ولی به علت تبعیضات مختلف، نبودن امکانات ورزشی، فشار زندگی، منصرف شدند و همچنین آقای "خبر الله چمنی" قهرمان وزنه برداری در گرگان و مازندران که هم اکنون شغل آهنگری دارند. استعدادهای زیادی در میان جوانان قزاق وجود دارد که باید شکوفا گردد. اینها گوشه ای از زندگی خلق تحت

ستم قزاق که سالها همچون خلقهای دیگر از هیچگونه امکاناتی که حق آنان هم بوده، می باشد. ما خودمان را جدا از خلق قزاق نمی دانیم و معتقدیم دولت باید به خاطر استقلال کشور به رفاه و خواستهای خلقها توجه مبذول دارد بخصوص جوانان قزاق که استعدادهای زیادی در آنها وجود دارد شکوفا گردد و آنها هم بتوانند در جهت ایرانی آباد و آزاد و شکوفان خدمت کرده باشند. آینده رشد و ترقی ایران ما در گرو رسیدگی به خواستهای خلقها به ویژه زحمتکش آنان می باشد.

آلمان و به یشتیبانی از کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی دست زده اند. تبلیغات مطبوعات و دولت آلمان.

در روزهای اول روزنامه های آلمان نوشتند که از طرف آیت الله خمینی کمیته های محاکمه اعضای ساواک در آلمان بوجود آمده و کنفدراسیون جهانی مجری این اقدام است. تا کنون چندین

ساواک، بجای گرفتن از محصول بابت اجاره، پس از زمینهای نسق داران را میگیرد. در واقع زمینهایی که روستائیان این منطقه سالیان سال روی آن زحمت کشیده اند و حق مسلم آنان بوده، بزور سرنیزه زدهقانان پس گرفته میشود.

حدود سه هفته پیش ۲۰۰۰ کمباین برای برداشت محصول زمین به ده می آیند، لازم به تذکر است که در این روستا شورائی وجود آمده و نمایندگان شوراهای سه نفر از خرده مالکین هستند که بین ۳ تا ۶ هکتار زمین دارند. نمایندگان شوراهای تصمیم میگیرند که معترض شده و زمینهای را که محسن اجاق بزور از این روستائیان گرفته، پس بگیرند و تمام مردم هم از این حرکت حمایت میکنند. بنا بر این شکایتی تهیه کرده و به دادسرای انقلاب کرمانشاه و کمیته ها برده و وقتی کمباین میآید که محصول را بر دارد اینها اعتراض میکنند.

ما جرا را یکی از خوش نشینان اینطور تعریف میکند: دم غروب بود

## انحصار طلبی

بقیه از صفحه ۱

و عقیدتی انحصار طلبان بسیار سطحی و نسجیده است، در بسیاری موارد عناصرا سالم و حتی عوام را رژیم سابق قادر میشوند انحصار طلبان را با تظاهرات مذهبی بسودن بفریبند. در حالیکه بسیاری از کارمندان صدیق، میهن پرست و پشتیبان انقلاب مورد تصفیه قرار میگیرند.

در امتحان و انتخاب معلم برای روستاهای فارس، تنها چیزی که مورد توجه مسئولین تنگ نظر نبوده همان صلاحیت های سیاسی، علمی و فرهنگی و بسیاری خصوصیات و شایستگی های یک معلم دلسوز برای نوجوانان روستائی بود، بلکه محفوظات مختلف مذهبی و محتویات کتب تعلیمات دینی

اجازه ندهند کسی بآن دست زند. خود از این انبار گندم محافظت نمایند تا رای دادگاه صادر شود. فعلا هم این روستائیان یک درخواست نوشته اند و خواسته اند که پس از زمین متعلق به زارعین مسترد شود و نمایندگان آنها هم با درخواستشان به قم خدمت امام رفتند مسئله جالب دیگری که وجود دارد آنست که محسن اجاق آدمی پیش این نمایندگان فرستاده و گفته که من به شما نفری ۱۲ هکتار زمین میدهم بشرطی که شما دهقانان را به بندید و اجازه ندین که آنها اعتراض بکنند و این زمینها را باز پس بگیرند. و این نمایندگان جواب داده بودند که این حرفها هیچ سودی ندارد و ما همه حق خودمون را میخواهیم و از شما خواهیم گرفت. و نشان دهند مردم پیشیزی برای اینها ارزش قائل نیستند.

\*\*\*

ما پیروزی دهقانان و شورای دهقانی اسماعیل گل را به آنها تبریک گفته و مطمئنیم زحمتکشان روستا با حفظ وحدت و ادا همه مبارزه با فئودالهای مرتجع،

مورد توجه مسئولین و معیار آزمایش معلمین روستائی قرار گرفت.

و بالاخره نتایج پیاپی شدن خط مشی انحصار طلبی دامنگیر هموطنان ارمنی ما هم شد و استخر خصوصی جوانان ارمنی به دلیل مختلط بودن بسته شده و به حقوق مسلم هم میهنان ارمنی ما تجاوز گردید.

اینها چند نمونه بودند و نمونه های دیگر از این قبیل را همه در گوشه و کنار جامعه بطور گسترده ای می بینیم.

آنچه که از این فعالیت ها عاید میشود، تنها دلسرد شدن تدریجی گروهائی از هموطنان ما نسبت به انقلاب پیروزمندی است که همه طبقات و اقشار و مکاتب

جناب آقای نخست وزیر که یکلبه دهات دور افتاده باید رسیدگی شود تمنا از آن مقام محترم داریم که باین خواست مردم ما که اولاً جاده و دوم حمام و سوم درمانگاه و چهارم دبستان در مرکز دهستان پیرکوه دستور فرموده با تمام رسانیده باشند با تقدیم احترام منتظر دستورها تمام بی صبری را داریم. تقدیم دارندگان، اهالی قریه پیرکوه و چندین قراة که در صورت نوشته شده است.

(امضاء و اثر انگشت اهالی روستا) ما ضمن پشتیبانی از خواسته های عادلانه اهالی "پیرکوه" و قراة مجاور، از مقامات مسئول استان میخواهیم بخاطر رفاه زحمتکشان روستائی و رشد تولیدات کشاورزی که در خدمت تقویت استقلال میهن است بطور جدی در تائید این خواسته های عادلانه بکوشند.

هوشیاری در مقابل توطئه های آنان و نهراسیدن از مشکلات و سختیها برای گرفتن دیگر حقوقشان به پیروزیهای بیشتری دست خواهند یافت.

مختلف خلق بسهم خود در راه آن خون دادند.

هنوز ما میریالیسم و ضد انقلاب دست از تهمت زنی و توطئه علیه انقلاب ما بر نداشته است و انحصار طلبان نه تنها دوستان خوب اسلام مبارز نیستند، بلکه با بدبین نمودن اقشار مختلف نسبت به حقانیت انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تفرقه را دامنه زده و به انقلاب ضربه میزنند.

ما سخنان آقای داریوش فروهر را تا فید می کنیم که گفته است انحصار گرائی خطری است که انقلاب را تهدید میکند. و انحصار طلبان را به داشتن همتی بلند و دوران دیدی در مسائل اجتماعی سیاسی دعوت نموده است.

مربوط به دستگیری ایرانیان راجع کرده اند. کلن - در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه سوم مرداد (۲۵ ژوئیه) یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در مرکز کنفدراسیون جهانی برگزار گردید. در این مصاحبه خبرنگاران و فیلم برداران تلویزیونهای مهم سراسری آلمان و خبرگزاری ان - بی - سی آمریکا و رادیو تلویزیونی هلند و چندین روزنامه شرکت کردند.

مجلس اشترن با یکی از دبیران کنفدراسیون جهانی مصاحبه ای انجام داد که قرار است در شماره این هفته درج شود. دبیران کنفدراسیون آلمان طی مصاحبه ای با روزنامه هلند و چندین کلن اشترن نظریات کنفدراسیون جهانی را مطرح کرده است.

از روز پنجشنبه چهارم مرداد (۲۶ ژوئیه) اعضای کنفدراسیون جهانی در سفارت ایران در بن دست به تحصن زدند که هنوز ادامه دارد.

هزاران اعلامیه فارسی و آلمانی در شهر پخش شده است.

ها نور - در روز سه شنبه دوم مرداد (۲۴ ژوئیه) چهار نفر از اعضای کنفدراسیون جهانی در شهرها نور دستگیر شدند که پس از چند ساعت آزاد میشوند. در روز سه شنبه ششم مرداد (۲۸ ژوئیه) میتینگی با شرکت نیروهای ضد امپریالیست در این شهر برگزار میشود و بیش از هزار اعلامیه به زبان آلمانی در شهر پخش شده است.

در طول این مدت به طرفداران و اعضای کنفدراسیون جهانی در این شهر افزوده شده است. گوتینگن - در این شهر پلیس دو نفر از دانشجویان ایرانی را که یکنفرشان عضو کنفدراسیون جهانی بوده دستگیر و پس از مدتی آزاد میکند. در این شهر موج وسیعی در پشتیبانی از کنفدراسیون جهانی بر راه افتاده است.

در شهرهای هستون، شیکاگو، سانفرانسیسکو، نیویورک، واشنگتن در آمریکا، در سوئد، ایتالیا و ترکیه نیز ایرانیان به فعالیت های اعتراضی علیه دولت

خمینی کمیته های محاکمه اعضای ساواک در آلمان بوجود آمده و کنفدراسیون جهانی مجری این اقدام است. تا کنون چندین بار ساواکی ها را با ساک به پشت تلویزیون آوردند که در آنجا شروع به گریه و زاری و تقاضای کمک از مردم آلمان را کرده اند.

در دو سه روز گذشته مطبوعات آلمان به دنبال افشاگریهای کنفدراسیون جهانی ساکت شده اند. قبلا دولت آلمان تهدید می کرد که دانشجویان دستگیر شده را در دادگاهها محاکمه و محکوم میکند. در حال حاضر از آنجا که دولت آلمان مدارکی برای اثبات ادعاهای خود ندارد بنظر میرسد میخواهد دانشجویان دستگیر شده را بدون محاکمه از آلمان اخراج کند. در حال حاضر کوشش و کسلائی کنفدراسیون جهانی اینست که دادگاه برگزار شود.

برخورد کنسولگریها و مسئولین ایرانی.

تقریباً در همه جا برخورد سفارت و کنسولگریهای ایران خوب بوده و درخواستهای دانشجویان را به اطلاع مقامات ایرانی رسانیده اند.

حجت الاسلام نوری نماینده امام خمینی نیز از دانشجویان پشتیبانی نموده است. اما تا بحال در مجموع اقدامی از طرف دولت ایران در اینجا انجام نشده است. بقیه در صفحه ۴

## کنگره پیروزمند...

اعضای شرکت کننده در کنگره پرشکوه سازمان جوانان به اتفاق آراء با بالا بردن دست خویش رای اعتماد خویش را به منتخبین کنگره اعلام داشتند. کنگره بدین ترتیب کار سه روزه خویش را در کلیه زمینه ها از اولین دقیقه تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر روز چهارشنبه سوم مرداد (پایان کار رسمی کنگره) با برخورداری از روحیه انقلابی بی نظیر و شور و شوق انقلابی زاید الوصفی به پایان رساند. کمیته مرکزی وارد جلسه مخصوص به منظور انتخاب شش نفر اعضای هیئت اجرایی از میان خود شد که پس از چند ساعت مشورت و تصمیم گیری بروی زمینه های کار آینده و بالاخره، انتخاب هیئت اجرایی کمیته مرکزی. سازمان جوانان انقلابی به کار خود خاتمه داد.



## ● کنگره پیروزمند...

بقیة از صفحه ۱

قطننامه اولین کنگره سازمان جوانان انقلابی  
تاریخ سوم مرداد ۱۳۵۸

اولین کنگره سرتاسری سازمان جوانان انقلابی از اول تا سوم مرداد ماه ۱۳۵۸ در شهر رشت برگزار گردید. بیش از ۴۰۰ نفر از اعضاء و هواداران سازمان جوانان انقلابی در این کنگره شرکت کردند. شور و شوق زاغدالوصفی سرتاسر کنگره را در بر گرفته بود و جوانان انقلابی که از شهرهای مختلف ایران به این کنگره آمده بودند، تجارب غنی خود را در چگونگی پیشبرد خط مشی انقلابی سازمان جوانان انقلابی و سه هدف اساسی سازمان جوانان یعنی خدمت به خلق، مهین پرستی و آموزش به کنگره عرضه داشتند.

این کنگره یک واقعه تاریخی برای جوانان انقلابی سرتاسر کشور محسوب میشود. مبارزات جوانان انقلابی در مرحله کنونی، ادامه مبارزه طولانی جوانان انقلابی ایران بوده و بر سنن پرافتخار جنبش آنان متکی است. مبارزه جوانان انقلابی پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بهمین ماه به رهبری امام خمینی که جوانان نقش قاطعی در آن داشتند، پیروزی این کنگره را تضمین کرد.

جوانان انقلابی امروز با وظایف سنگینی روبرو هستند. اوضاع کنونی انقلاب ایران عزیز ما بخاطر اخلالگریهای دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه و عمالشان، سرخستان ضد کمونیست و ضد اسلام و فرصت طلبان "چپ" دچار هرج و مرج گردیده و نجات انقلاب اساساً بستگی به تصحیح اشتباه از طرف انحصار طلبان و از طرف دیگر بستگی به طبقه کارگر و پیروان سیاسی آن دارد. ما معتقدیم که باید میان فرصت طلبان و افرادی که تحت تاثیر مشی انحرافی آنها قرار گرفته اند، با صبر و حوصله و با حرکت از خواست وحدت دست بکار آموزش زد، به آنها آموخت که میتوان با تکیه بر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بعنوان سه اصل بزرگ خلق و طرد انحصار طلبی و قدرت طلبی به هرج و مرج کنونی پایان بخشید. مملکت ما جامعه ای طبقاتی است که هر کدام از آنها منافع متضاد و مشترک با هم دارند، هر کدام مکاتب و احزاب سیاسی خود را داشته و هیچ نیروئی نمیتواند به یک ضربه آنها را در یک قالب ریخته - تحت یک مکتب بیاورد.

جوانان انقلابی بعنوان بخشی از لشکر زحمتکشان با وظیفه تاریخی و مهمی روبرو هستند:

وظیفه مبارزه قاطع با هرج و مرج کنونی

-----

جوانان انقلابی باید:

- با دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و عمالشان که دشمنان عمده و دیرپای انقلاب هستند به مبارزه مرگ و زندگی برخیزند.
- آنها باید به دفع حملات سرخستان ضد کمونیست و ضد اسلام بر اساس سیاست حق داشتن، سود جستن و حد نگذاشتن بپردازند.
- آنها باید مشی آپورتونیستی "چپ" را همه جانبه افشاء نمایند.
- آنها باید انحصار طلبی و قدرت طلبی را مورد انتقاد قرار دهند.

این کنگره توانست اهمیت وحدت بزرگ ملی سه جریان بزرگ اجتماعی یعنی اسلام مبارز، ناسیونالیسم مترقی و سوسیالیسم انقلابی را به جوانان بیاموزد. و جوانان شرکت کننده در کنگره را بمنظور حفظ و حراست از این وحدت بسیج و متعهد نماید. جوانان انقلابی تنها در تحت پرچم اتحاد بزرگ ملی و در پرتو چنین خط مشی سیاسی میتوانند جوان سراسر ایران را به مبارزه کشانند و در عمل چون دژی محکم در برابر هرج و مرج کنونی بایستند و با مبارزه با تفرقه کنونی، نظم انقلابی را زیر پرچم اتحاد بزرگ ملی بوجود آورند.

سازمان جوانان انقلابی باید هسته هدایت کننده و ستون فقرات جنبش بزرگ میلیونی جوانان را تشکیل دهد، باید بموظیفه ایجاد و هدایت جنبه وسیع جنبش جوانان بویژه جنبش جوانان کارگر و دهقان توجه جدی نماید، هیچگاه از این جنبش توده های جدا نشود و هیچگاه نقش پیشتاز و پیشرو را از دست ندهد.

مرگ بر دو ابر قدرت آمریکا و روس

زنده باد اتحاد بزرگ ملی

زنده باد سازمان جوانان انقلابی

اولین کنگره سازمان جوانان انقلابی با شرکت بیش از ۴۰۰ نفر از اعضاء و هواداران این سازمان که از واحد های آذربایجان، اصفهان، تهران، خراسان، فارس، کردستان، گیلان، لرستان و مازندران به کنگره آمده بودند، از تاریخ اول تا سوم مرداد در شهر رشت برگزار گردید. کنگره میزبان جوانانی بود که از ۱۰ سال تا ۲۴ سال سن داشتند و میانگین سن شرکت کنندگان در کنگره ۲۰ سال بود. از میان بیش از ۴۰۰ شرکت کننده نزدیک به ۱۰۰ را دختران جوان تشکیل میدادند. شرکت کنندگان در کنگره سازمان جوانان انقلابی فعالیتی بودند که از ۴ ماه تا دو هفته فعالیت سیاسی متمرکز خویش را در سازمان جوانان آغاز کرده بودند.

۱ مرداد ۱۳۵۸

صندلی های سالن کنگره از ساعت ۷ صبح پر شد، سالن با شعارهای انقلابی، عکس شهدای خلق تزئین گشته بود. در جلوی کنگره دوشعار بزرگ بچشم میخورد: "زنده باد وحدت بزرگ ملی" و "نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود" در زیر شعار در دو طرف عکس رفیق شهید پرویز واعظ زاده مرجانی، و رفیق شهید خسرو صفائی (از رهبران سازمان انقلابی) دیده می شد، عکس بزرگ امام خمینی رهبر انقلاب نیز در محل سخنرانی نصب گردیده بود. در دو طرف عکس شهدا شعارهای "زنده باد سازمان انقلابی" و "درود بر امام خمینی و مهندس بازرگان" نوشته شده بود. عکس شهدای دیگر خلق در کلیه دیوارهای سالن بچشم میخورد، زیر تعدادی از عکسها شعار بزرگی باین مضمون به چشم میخورد: "خون شهیدان راه ما را گلگون نموده و اراده ما را در ادامه مبارزه استوارتر ساخته است."

در میان شور و شوق غیر قابل توصیف حاکم بر کنگره و در میان فریادهای آمریکا، نه، نه، روسیه هم نه و وحدت خلق اساسیه، رفیق موضوع سیاسیه که بصورت سرود توسط دختران و پسران حاضر در کنگره اجرا میشد و کنگره در ساعت ۸ صبح روز دوشنبه اول مرداد کار خود را آغاز کرد. ابتدا بیاس احترام شهدای ۳۰ تیر و کلیه شهدای خلق دقیقه ای سکوت اعلام شد. سپس سرود ۲ تیر توسط رفقای سازمان جوانان انقلابی (واحد تهران) اجرا گردید و پس از پایان همه بپا خاستند و یکصدا این سرود را دوباره خواندند.

کنگره که از همان آغاز با روحیه انقلابی بی نظیری آغاز بکار کرد با خواندن چندین پیام که از جامعه ضد امپریالیستی آلمان، سازمان دانشجویان اتیوپی، سازمان



برنامه فرهنگی جوانان کرد

از زمینه ها کنگره به قسمت دیگری از برنامه کار خود پرداخت. در این مدت یک شعر فلسطینی (من مقاومت میکنم: اناصمد)، شعر آذری و شعر کردی اجرا شد که نمایانگر روحیه همبستگی میان خلق های ایران و جهان بود.

در این قسمت از برنامه کنگره مراسم اهداء جوایز به مسئولین واحدهای مختلف سازمان جوانان از طرف واحد خراسان و تقدیم هدیه هیئت مسئولین موقت به واحد خراسان اجرا شد سپس به رفقای نمونه سازمان جوانان انقلابی در سرتا سر ایران از طرف هیئت مسئولین موقت جوایزی در زمینه های (فروش نشریه "رنجبر"، فروش نشریه جوانان انقلابی، خدمت به خلق، بسیج جوانان) داده شد که شرکت کنندگان در کنگره رفقای جوان خود را که از کادربهای برجسته سازمان جوانان انقلابی می باشند مورد تشویق قرار دادند. سپس مادر رفیق شهید تقی سلیمانی پیامی خطاب به جوانان انقلابی خواند، و مادر یکی از شرکت کنندگان شعر خود را خطاب به مادر شهیدان تقدیم به مادر رفیق تقی سلیمانی نمود.

سپس واحد تهران سازمان جوانان سرود تقی، سرود زنان و چند سرود دیگر را اجرا نمود. بعد از آن کنگره شاهد تاءتری زیبا بود که قدرت نام داشت، نمایشی که نشان می داد قدرت فقط قدرت توده های خلق است، نیروی تغییر دهنده جهان نیروی توده هاست.

سپس توسط رفقای کردستان یک رقص و آواز کردی اجرا شد. پس از پایان این قسمت از برنامه های هنری، میهمان عزیز کنگره، خواننده سقائی ابتدا ترانه های به یاد همایون کیترائی و بعد چندین ترانه محلی دیگر که بیان گر استقلال طلبی و پیکار جویی خلق - های ایران بود برای کنگره اجرا نمود. کنگره، بهترین تشکرات خود را از دوست جوانان انقلابی (سقائی) ابراز داشت و کار روز دوم کنگره نیز به پایان رسید.

روز سوم مرداد ۵۸

واحد مازندران سازمان جوانان انقلابی رقص قاسم آبادی و یک سرود محلی اجرا کردید و پس از آن جوانان واحد آذربایجان نیز رقص لرگی اجرا کردند.

پس از اجرای این برنامه ها نوبت به میهمانان عالیقدر کنگره رسید که برای ابراز همبستگی خود با کنگره برنامه هنری خود را آغاز کردند. این گروه، گروه عاشق های آذربایجانی بودند که ابتدا شعر حیدرخان عمو اوغلی و بعد قطعه آهنگی بیاد صمد بهرنگی و چندین شعر و ترانه محلی اجرا کردند و به کنگره روحیه ای عالی بخشیدند. در آخر برنامه های هنری روز اول سرود انترناسیونال بزبان آذربایجانی توسط گروه کر واحد آذربایجان اجرا شد. خواندن سرودهای انقلابی و دادن شعارهای مردمی لحظه ای متوقف نمیشد و صدای سرود و فریادهای نه آمریکا، نه روسیه، ایران مال ایرانیه تا پاسی از شب ادامه داشت.

روز سه شنبه دوم مرداد ۱۳۵۸

صبح روز سه شنبه دوم مرداد: سالن کنگره قبل از ساعت ۸ ملوواز جمعیت شد. ابتدا پیام هائی از طرف جامعه کمونیستی کانادا مارکسیست - لنینیست، اتحادیه کمونیستهای آلمان غربی، سازمان انقلابی ۱۸ مه هائیتی و ۰۰۰۰ که همراه بهترین آرزوها برای برگزاری موفقیت آمیز کنگره جوانان انقلابی ایران بودند، خوانده شد. پس از پیامها مسئولین موقت سازمان جوانان انقلابی گزارش کار ۴/۵ ماهه خود را تقدیم کنگره نمودند.

گزارش هیئت مسئولین موقت سازمان جوانان انقلابی پس از توضیح شرایط شروع فعالیت های سازمان جوانان و اهمیت شکل جوانان با توجه به نقش آینده ساز آنان گزارش فعالیت های خود را در ۷ زمینه (بسیج نیرو و رشد، تشکیلات، سیاست، فرهنگ، انتشارات، خدمت به خلق، مالی) تقدیم کنگره نمود. فعالیت های ثمربخشی که حقه در تمام زمینه ها نشان دهنده تان.

بقیه از صفحه ۸

اینها تنها نمونه‌های کوچکی از مبارزات زحمتکشان شوروی هستند. دارودسته برژنف - کاسیگین چگونه به مبارزات خلقهای شوروی جواب داده‌اند؟ این دارودسته خائن برای تحکیم موقعیت خود و خاموش کردن مبارزات زحمتکشان بارها دست به تصفیه‌های بزرگ مخالفین خود در حزب زده‌اند. بعنوان مثال در سال ۱۳۵۲ این خائنین اعلام کردند که همه اعضای حزب باید کارتهای عضویت خود را تجدید کنند، و به بهانه تجدید کارت عضویت در بین سالهای ۱۳۵۴ - ۱۳۵۲ بیش از یک میلیون نفر از اعضای حزب که دارای افکار نامانیوس بودند از حزب اخراج شدند. طبق نوشته مجله شوروی بنام "حیات حزب" در طی جریان تجدید کارتهای عضویت کلیه کسانی که "از مقررات حزب تخطی کرده بودند" شدیداً مجازات شدند و از جمله ۳۰٪ کلیه کادرهای حزبی موجود در ارتش شوروی اخراج شدند. "دارودسته برژنف - کاسیگین برای جلوگیری از مبارزات زحمتکشان شوروی هم "تدابیر" زیادی اندیشیده‌اند از جمله اینکه علاوه بر سازمان پلیس مخفی شوروی کا.ک.ب (در مورد آن در یک مقاله دیگر جداگانه توضیح خواهیم داد) سازمانهای متعدد دیگری با سامی مختلف تشکیل شده‌اند که هدف آنها کشف و سرکوبی هرگونه مخالفتی با دستگاه خائن حاکم است. رویزیونیستهای شوروی در موارد متعددی فرمان "آتیش بقصد کشت" را برای سرکوبی جنبشهای کارگری صادر کرده‌اند. از جمله اینها سرکوبی جنبشهای کارگری در شهرهای تبیلیسی، چیمکنبت، خارکف، کاناس، تالین، مینسک، لنینگراد، نووسی بیرسک را میتوان ذکر کرد که توسط حمله نیروهای نظامی سرکوبی شده‌اند. برای سرکوبی مخالفین تعیناد بسیار زیادی زندانها، اردوگاههای کار اجباری و "بیمارستانهای روانی" ساخته شده‌اند که مخالفین روز افزون دارودسته خائن حاکم، در آنها زندانی و مجازات میشوند. بگفته بعضی از کسانی که از شوروی گریخته‌اند تعداد اردوگاههای کار اجباری به ۲۵۰ میرسد.

در سالهای اخیر دارودسته برژنف برای اینکه خلقهای شوروی را فریب دهند تعدادی از کارگران وابسته به خود را در درون حزب شوروی جای داده و اعلام کرده‌اند که "ترکیب طبقاتی اعضای حزب با دیگر بنفع کارگران تغییر یافته است". لنین در کنگره دوم کمونیست بین الملل اعلام کرد که: "اینکه حزبی واقعا حزب سیاسی طبقه کارگر است یا نه صرفا به عضویت کارگران در آن بستگی ندارد بلکه وابسته به این است که چه کسانی آنرا رهبری میکنند، محتوای کارهای آنها چیست و تاکتیکهای سیاسی آنها چه هستند. تنها اینها هستند که تعیین میکنند آیا حزب پرولتاریا سرو کار داریم یا نه". آنوقت باید پرسید آیا آن حزب "تمام خلقی" که رهبریش را دارودسته خائن فاشیست و جنایتکار برژنف - کاسیگین بعدها دارند حزب سیاسی طبقه کارگر و حزبی کمونیستی است؟ واضح است که نه تنها حزبی کمونیستی نیست بلکه حزبی بورژوازی و فاشیستی است. اما دارودسته فاشیستی برژنف - کاسیگین هیچوقت موفق نشده‌اند که توده‌های وسیع زحمتکشان و کمونیستهای واقعی اتحاد شوروی را بطور کامل سرکوبی کنند و هیچوقت هم موفق نخواهند شد. بزبان ساده مائوتسه دون رهبر بزرگ طبقه کارگر توده‌های وسیع مردم شوروی و اعضا و کادرهای حزب شوروی خوب هستند. آنها انقلاب میخواهند و حکومت رویزیونیستها در شوروی چندان طولانی نخواهد بود.

انقلابی بی نظیری آغاز بکار کرد با خواندن چندین پیام که از جامعه ضد امپریالیستی آلمان، سازمان دانشجویان اتیوپی، سازمان دانش آموزان انقلابی آمریکا، حزب کمونیست آمریکا، مارکسیست-لنینیست، شور و شوق زایدالوصفی یافت، شور و شوقی که نشانه همبستگی بین المللی جوانان انقلابی کشور ما با مبارزین انقلابی سرتاسر دنیا است.

پس از قرائت پیامها رساله سیاسی کنگره توسط یکی از اعضا مسئولین موقت سازمان جوانان خوانده شد. رساله بعد از برخورد به مرجع کمونی فراگیر در مین، و علل آن به وظایف سازمان جوانان انقلابی مبنی بر ایجاد وحدت بزرگ در میان جوانان، اجتناب از حرکات و بحثهای تفرقه افکن، مبارزه علیه انحرافات "چپ" و راست در میان جوانان و بسیج کلیه نیروهای جوانان بخصوص جوانان زحمتکش تاکید شد.

پس از قرائت رساله سرودی به یاد شهید خسرو گل سرخی (سرود ای سروایستاده) توسط شرکت کنندگان اجرا گردید و پس از تنفسی کوتاه کنگره کار خود را با تقسیم شرکت کنندگان به ۱۰ کمیته کار که وظیفه بحث بروی نکات مطروحه در رساله سیاسی را داشت مجددا آغاز کرد.

سپس پیامهایی که از آغاز کار کنگره رسیده بود قرائت گردید. ابتدا پیام سازمان انقلابی به کنگره جوانان انقلابی خوانده شد، اشک شوق در درجه بسیاری از جوانان و نوجوانان انقلاب حاضر در کنگره ظاهر شد که نشانه عشق عمیق و ایمان راسخ آنان در خدمت به سازمان انقلابی و زحمتکشان مینماید. سپس نماینده کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی خارج از کشور پیام محصلین و دانشجویان دانشجوین دور از وطن را برای کنگره قرائت کرد، و بعد پیامهای سازمان جوانان کمونیست ایتالیا، جمعیت زنان ایران، جامعه انقلابی مارکسیست-لنینیست آمریکا خوانده شد.

بعد از قرائت پیامها کمیته خدمت به خلق (که یکی از اهداف اصلی سازمان جوانان انقلابی است) گزارش کار ۴/۵ ماه خود را تقدیم کنگره کرد. سپس گزارش مسئول کار در آلونک نشین های اطراف تهران و ..... توسط کمیته خدمت به خلق، به سمع کنگره رسید. بعد از اتمام این برنامه برنامه هنری کنگره آغاز شد. ابتدا مادری که با توافق فرزندش در کنگره شرکت کرده بود قطعه شعری را خطاب به مادر رفیق شهید تقی سلیمانی و در پاسخ به یاهوسراهی های آرش سروده بود، خواند و به تمامی مادران عزیزی که جگرگوشگان خود را برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی مینماید ما از دست دادند، تقدیم نمود. توسط گروه هنری

( بسیج نیرو و رشد، تشکیلات، سیاست، فرهنگ، انتشارات، خدمت به خلق، مالی) تقدیم کنگره نمود. فعالیتهای شمر بخشی که بحق در تمام زمینهها نشان دهنده توان لایزال توده های جوان خلق، در خدمت به انقلاب و خلق بود، فعالیتهایی که با توجه به ۴/۵ ماه زمان کوهی از مشکلات و سختیها بوده‌اند که با فعالیتهای خستگی ناپذیر این لشکر جوان ولی آگاه و پر شور از جای کنده شده است.

هیئت موقت مسئولین در پایان گزارش خود گفتند: " این چنین است وظایف ما جوانان انقلابی: جلوگیری از انشعاب در میان خلق، ایجاد جبهه وسیع جوانان برای مبارزه با دشمنان انقلاب ایران، امپریالیستها بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، صهیونیسم و نوکران داخلی آنها، رشد و ساختمان سازمان جوانان انقلابی که خود تدارک ایجاد حزب طبقه کارگر است.

رفقا، دوستان و میهمانان بسیار عزیز: رمز موفقیت ما در جدا نشدن، حتی برای لحظهای از خلقهایمان بویژه زحمتکشان و پا فشاری روی وحدت تا به آخر است. طلایه طلائع خورشید همانا پیداست، دکل کشتی همانا پیداست، بازوان پر توانان را محکم در هم کنید ... قدرت ما، رشد ما، پیروزی ما از خط صحیح سیاسی و وحدت فشرده ماست. آینده و خورشید از آن ماست.

سپس سرود بلادی به نشانه همبستگی با خلق قهرمان فلسطین اجراء شد، کسر آذربایجانی (حیدر عمو و غلی) اجرا گردید و پس از این دو برنامه هنری.

از این به بعد مجددا بحث روز اول کنگره از سر گرفته شد. بحثی غنی که نمایانگر سطح سیاسی بالای شرکت کنندگان در کنگره بود، جوانان انقلابی با طرح مسائلی از قبیل: انحصار طلبی و ضربات آن به انقلاب، دلایل ضعف دولت در برابر امپریالیسم شوروی، شکل و محتوای اتحاد سه نیرو (اسلام مبارز، ناسیونالیسم مترقی، سوسیالیسم انقلابی) از لحاظ تاریخی و در حال حاضر، مناسبات استقلال ما و جبهه واحد ملی، چگونگی تشکیل حزب طبقه کارگر، مرحله انقلاب ایران و نقش بورژوازی ملی در آن، فرق حزب و سازمان، رابطه خود - مختاری و استقلال و هزاران بحث سیاسی که هر یک گره گشای پاره‌ای از مشکلات حاکم بر جامعه است، نشان دادند که در مسائل تئوریک و سیاسی انقلاب شرکت دارند و از بسیاری از مدعیان بزرگ مارکسیسم-لنینیسم با مطالعه تر و آماده تر به مسائل روز سیاسی پاسخ میگویند. بحث سیاسی ساعتها بطول انجامید و عاقبت با ایجاد روشنی در بسیاری

آغاز کار کنگره در روز سوم با شور و شوقی به مراتب بالاتر از روزهای قبل همراه بود. شور و شوقی که حکایت از تصمیمهای مهم و تعیین کننده‌ای که این روز با خود به همراه داشت، می نمود. در آغاز کار توسط یک رفیق، بقیه پیامهای رسیده از طرف احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی جهان قرائت شد. پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان (ک-پ-د) پیام سازمان دانشجویان عضو جبهه آزادی بخش آرتیره (ا-پ-ل-ف)، پیام کارگران کارخانه فیات (تورینو - ایتالیا)، پیام سازمانهای فلسطین و عرب و غیره قرائت شد.

پیامها همه حاکی از همبستگی انقلابی خلقهای جهان در مبارزه علیه دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی بود و سازمانها و گروهی انقلابی بهترین سلامهای خود را به خاطر بر گزاری اولین کنگره جوانان انقلابی ایران ابراز داشتند.

در این لحظه برای بحث و تبادل نظر بروی مصوبات و قطعنامه های کنگره در ۵ زمینه کار: خدمت به خلق، تشکیلات، تبلیغات، انتشارات، فرهنگی به پنج کمیته کار تشکیل گردید که کلیه شرکت کنندگان در کنگره در آنها شرکت جستند. بحث و مشورت بروی این اسناد به مدت ۲ ساعت در کمیته‌های پنجگانه ادامه یافت و ساعت ۱۱ کنگره به منظور رای گیری بروی اسناد تکمیل شده توسط جوانان انقلابی کار متشکل خود را از سر گرفت. بروی هر قطعنامه و مصوبه به طور دسته جمعی رای گیری صورت گرفت و کلیه شرکت کنندگان در کنگره با توافق کامل به اسنادی که تهیه شده بود رای مثبت دادند. از این لحظه به بعد کنگره وارد یکی از مهمترین بخشهای کار خود می گشت، کنگره باید کمیته مرکزی سازمان جوانان انقلابی را که مسئولیت به پیش بردن کارهای سازمان در سال آینده را داشت انتخاب می کرد.

کاندیداهای عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان یکی بعد از دیگری معرفی می شدند و هر بار که شرکت کنندگان نام رفیقی از شهر و روستای خویش را می شنیدند هیجان غیرقابل توصیفی در سر تا سر کنگره حاکم می شد. پس از آنکه ۱۸ نفر اعضای پیشنهادی کمیته مرکزی آمادگی خود را جهت برداشتن این وظیفه خطیر در نقش رهبری دهنده صد ها هزارها جوان انقلابی اعلام داشتند کنگره وارد رای گیری شد.

# خلیج فارس: گورستان تجاوزگران آمریکائی

بهیچ وجه در مقابل آنها تسلیم نخواهند شد.

\* خلقهای ما با تکیه به نیروی خودپاسخ امپریالیسم آمریکا را خواهند داد و برای مبارزه با آن بهیچوجه با ابرقدرت دیگر - شوروی امپریالیستی - متحد نخواهند شد.

تنها در چنین صورتی است که در صورت تجاوز امپریالیسم آمریکا به خلیج فارس، این منطقه را بصورت گورستان تجاوزگران آمریکائی در خواهیم آورد.

فارس را دنبال می کند.

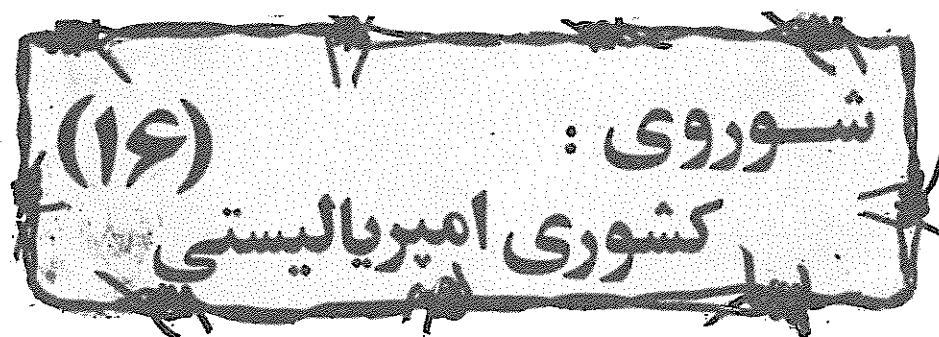
چنین تهدیداتی نشاندهنده این واقعیت است که امپریالیسم زخم خورده آمریکا با بی زودی دست از فتنه گری برنمی دارد. موضع خلقهای منطقه و مردم مادر مقابل این تهدیدات امپریالیسم آمریکا چه باید باشد؟

\* باید در مقابل خطر تجاوز و فتنه گری امپریالیسم هشیار بود و لحظه ای غفلت نکرد.

\* ما از تهدیدات امپریالیسم نمی هراسیم و خلقهای ما

ها رولدبراون وزیر دفاع آمریکا در هفته گذشته طی مصاحبه ای گفت: "آمریکا آماده است برای دفاع از منافع حیاتی خود در مناطقی مانند خلیج فارس از قدرت نظامی استفاده کند."

این مهمل گوئی ها همراه با مانور کشتی های جنگی آمریکا در خلیج فارس اهدافی چون ارباب خلقهای مبارز منطقه و همچنین رقابت با ابرقدرت شوروی بر سر منابع گرانبهای نفت خلیج



## حزب کمونیست یا فاشیست؟ (۳)

خیانت های خروشچف به طبقه کارگر و کوششهای او در برقراری سریع سرمایه داری در شوروی سبب شد که طبقه کارگر شوروی دست بمبارزه شدیدی با گروه غاصب رهبری بزند. شورش بزرگ کارگران در نووچرکاس در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲) یک نمونه از این مبارزات است. بالا گرفتن مبارزات طبقه کارگر همراه با خرابی روزافزون اقتصادی شوروی در اثر سیاستهای خائنانه خروشچف سبب شد که در پائیز سال ۱۳۴۳ همکاران قدیم خروشچف یعنی دارودسته برژنف - کاسیگین او را کنار بگذارند. دارودسته برژنف - کاسیگین، خروشچف را متهم کردند که "ذهنیگری" میکرده و سریعتر از حد لازم "پیشروی کرده" است. اما از نظر تغییرات بنیادی که خروشچف در حزب و دولت و جامعه شوروی ایجاد کرده و سرمایه داری را احیاء نموده بود هیچ گونه ایرادی بکار او نگرفتند. در میتینگ مسکو در ۲۷ مهر ماه ۱۳۴۳ (۱۹ اکتبر ۱۹۶۴) برژنف در طی نطقی شخما اعلام کرد که "مشی تعیین شده در بیستمین و بیست و دومین کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی که در برنامه های حزب نیز گنجانده شده است یگانه مشی تغییر ناپذیر سیاست داخلی و خارجی آنان بوده و خواهد بود. دارودسته خائن برژنف - کاسیگین برای اینکه اندیشه های خائنانه "رهبر کبیرشان" خروشچف برای همیشه در تاریخ شوروی باقی بماند در قانون اساسی جدیدی که در مهرماه ۱۳۵۶ تصویب رساندند یکبار دیگر دولت شوروی را دولت تمام خلقی و حزب شوروی را "پیشاهنگ همه خلق" معرفی کرده و به ثبت رساندند. (قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - چاپ فارسی - صفحه ۴)

آیا دارودسته برژنف - کاسیگین که از ابتدا دوشادوش خروشچف به طبقه کارگر و خلقهای شوروی خیانت ورزیده اند بعد از اخراج خروشچف موفق به فریب طبقه کارگر شوروی شده اند؟ تاریخ مبارزات کمونیستها و زحمتکشان شوروی در طی ۱۵ ساله گذشته باین سوال جواب منفی میدهد.

مبارزات کارگران شوروی و کمونیستهای واقعی شوروی در طی تمامی این سالها ادامه یافته است. مبارزات توده ای وسیع در شهر جیمکنت (۱۳۴۶)، اعتصاب بزرگ کارگران کارخانه تراکتورسازی خارکف (۱۳۴۶)، تظاهرات کارگران نیروگاه آبی شهر کیف (۱۳۴۸)، اعتصابات متعدد کارگری در شهرهای کالینین گراد، لوف و دربیلو روسیه (۱۳۴۹)، اعتصاب و تظاهرات کارگران شهر دنیپروپتروفسک (۱۳۵۱) تنها نمونه هایی از این مبارزات می باشند. وقتی در اسفند ۱۳۵۴ کنگره بیست و پنجم حزب ریزیونیست شوروی تشکیل شد بیست هزار نفر کارگران کارخانه لوازم الکترونیکی در لنینگراد بعنوان اعتراض به اختناق حاکم دست با اعتصاب زدند و گروهی از جوانان در خیابان نوسکی لنینگراد اعلامیه ای بخش کردند که مردم را به دست زدن به یک "انقلاب نوین" دعوت میکرد. در خیابانهای استالینگراد اعلامیه هایی بخش شد که رباکارهای برژنف را در رابطه با "بهبود وضع زندگی زحمتکشان شوروی" افشا میکرد. در شهر تولیاتی در کنار رود ولگا بر ساختمانهای بلند شهربلاکاردهای ...

## خلق فلسطین از تروریسم نمی هراسد

صهیونیستها که در چند هفته اخیر تجاوز خود را به جنوب لبنان تشدید کرده اند فکر میکنند با چنین ترورهایی میتوانند فلسطین را وادار به تسلیم کنند، اما انقلاب فلسطین فرازونشیب زیادی دیده و آبدیده گشته و چون برای امر عادلانه یعنی آزادی و استقلال فلسطین می جنگد شکست ناپذیر است.

ما مطمئنیم که خلق قهرمان فلسطین با تحکیم وحدت درونی خود، مبارزه با دوا بر قدرت، تحکیم همبستگی با خلقهای عرب و جهان سوم و همچنین با فشاری بر مبارزه مسلحانه انقلاب را بطور آهسته و پیروزی های بیشتری را بدست خواهد آورد.

در هفته گذشته زهیر محسن مسئول نظامی سازمان آزادیبخش فلسطین و رهبر "العاغه" ترور شد. وی هنگام میکه از کنفرانس سران آفریقا در "مونرویا" باز میگشت در سر راه خود در "گان" توقف کرد که در آنجا از طرف عمال امپریالیسم موردا ما بت گلوله واقع گردید.

ترور این رهبر جنبش مقاومت فلسطین که بی شک توسط عوامل امپریالیسم و صهیونیسم ریزی و بمرحله اجرا گذارده شد گرچه بظا هریک رهبر فلسطین را از پای در آورد اما هزاران جوان فلسطینی پرچم انقلاب ملی را برای آزادی فلسطین عزیز بدوش داشته و آنرا تا پیروزی در پیشا پیش خود حمل خواهند کرد.

## از دیاد قیمت فروش گاز

دکتر حسن مرشد مدیرعامل شرکت گاز ایران در گفتگویی اعلام کرد که در قیمت گاز صادراتی ایران به شوروی تحدید نظر خواهد شد و پروژه خط لوله دوم گازی نیز بمرحله عمل درخواهد آمد.

مدتها بود انتظار چنین روشی از دولت موقت جمهوری اسلامی ایران میرفت، چون دولت ملی کنونی برخلاف دولت های دست نشانده امپریالیسم احتیاجی به باج دادن به ابرقدرتها ندارد.

سیاست تجاوز گرانه و چپا و لگرانه روسیه در این زمینه بقدری عیان است که دکتر مرشد تاکید میکند: "گاز صادراتی ایران به شوروی تاکنون هر هزار متر مکعب ۲۵ دلار فروخته می شده. .... قیمت گاز صادراتی به همسایه شمالی بسیار ناچین است و باید به یک حد معقول برسد"

سوسیال امپریالیستهای شوروی این منبع بزرگ ملی ما را به قیمت ارزان خرید و آنرا در بازارهای اروپا با حداقل ۱۵۰٪ سود بفروش میرسانند و دعویان سوسیالیست بودن هم دارد.

ما ضمن تأیید اقدام دولت موقت در از دیاد نرخ فروش گاز، معتقدیم باید تند بایرا سیاسی تری برای از بین بردن انحصار خرید گاز ما از طرف شوروی اتخاذ شود تا ما از این نظر وابسته به روسیه نبوده و بتوانیم گازمان را با ابثکا ر خود در بازارهای جهانی

## وحدت مارکسیست - لنینیستهای اسپانیا

# یک پیروزی دیگر

وحدت رسیدند عبا رتننداز: \* اندیشه ما کوشش در این است که با شرایط مشخص جامعه اسپانیا تطبیق داده شود. تئوری سه جهان تاکتیکی و استراتژی پرولتاریا را در سطح جهانی معین می کند و "حزب کارگران اسپانیا" کوشش خواهد نمود این تئوری را در شرایط مشخص اسپانیا بکاربرد. افزون

چند هفته پیش در ما در پیوند "حزب کارگران اسپانیا" از اتحاد "سا زمان انقلابی کارگران (O.R.T)" و "حزب کار اسپانیا" (P.O.E) بوجود آمد.

برنامه حزب رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم است که با در نظر گرفتن ویژگی های اسپانیا برنامه حداقل، نخست ایجاد جمهوری دمکراتیک فدرال میباشد. برخی از اصولی که دوسال زمان

با " بهبود وضع زندگی زحمتکشان شوروی " افشا میکرد. در شهر تولیاتی در کنار رود ولگا بر ساختمانهای بلند شهریلاکاردهای بزرگی آویزان شده بود که بروی آنها نوشته شده بود " مرگ بر دیکتاتوری حاکم ". در روز ۱۳ مرداد بر دیوارهای بزرگترین خیابانهای شهر لنینگراد پلاکاردهای بزرگی نصب شده بود که بر آنها نوشته بودند: " مرگ بر بورژوازی حزب " ، حزب کمونیست شوروی دشمن خلق است " ، شوروی، زندان خلقها، بر روی یک پلاکارده بطول ۴۰ متر نوشته شده بود: " شما گریبان آزادی را میفشارید ولی روح خلق زنجیر نمیشناسد. " در روز ۱۳ مهر همانسال یک مرد ۸۴ ساله بعد از ۵۸ سال عضویت در حزب شوروی کارت عضویت خود را برای سرژنفس پس فرستاد و در طی نامه ای مفصلی اعلام کرد که " یک طبقه ممتداز و نیرو تمند که کاملاً از مردم جدا هستند بر خلقهای شوروی دیکتاتوری میکنند و بنا بر این اودیکر حاضر نیست در چنین حزبی باقی بماند. " **بقیه در صفحه ۷**

## نگاهی به محله‌های

قزاقها در سال ۱۳۱۲ به ایران پناهنده شدند. آنها در حدود ۵۰۰ خانوار بودند و در سه شهر تقسیم گردیدند: گرگان، بندر بندر ترکمن، بیشتر آنها در بندر ترکمن متمرکز هستند.

خلق قزاق همانند خلقهای دیگر تحت ستم بود و از هیچگونه امکاناتی برخوردار نبوده و نیست و هم اکنون هم در بدترین شرایط زندگی می‌کنند. اگر چه " آق ملا - طالب العلم " نماینده خلق قزاق به کمک اهالی زحمات زیادی جهت عمران و آبادی کشیده‌اند ولی این شرایط کماکان به حالت خود مانده است.

در قزاق محله گنبد مردم از طریق کاری سازی - قالی بافی - بنائی و کار در میان کارگاههای نجاری و مکانیکی شن کشی و کمی دامداری زندگی می‌کنند البته تمام این کارها با وسایل بسیار اولیه و ابتدائی صورت می‌گیرد.

کمیود در همه زمینه‌ها منجمله در مانگام حمام - کتابخانه - قصابی - جاده - آب آشامیدنی - برق - شعبه نفت ... موجود است. خیلی‌ها محل سکونت ندارند و در منازل آشنایان زندگی می‌کنند. هستند کسانی که با پرورش ۲ مرغ زندگی می‌کنند. در این صورت با چنین کمبودهایی می‌شود حدس زد که از لحاظ بهداشت در چه سطحی هستند.

هم اکنون آقای " طالب العلم " در قزاق محله گنبد زندگی می‌کند و وقتی به ایشان گفتم چطور شما گنبد را انتخاب کردید ایشان جواب داد: " من هر جایی که فقر باشد همانجا زندگی خواهم کرد و به آنجا خدمت خواهم نمود زندگی من سر تا سر خدمت به مردم است. من برای عمران و آبادی قزاق محله‌ها به همه‌جا نوشته‌ام ولی عمل نکرده‌اند منتهی تنها کاریکه کرده‌اند من را تبعید نموده‌اند. " خواستهای این محله همان کمبودهایی که گفته شد منجمله حل مسئله پرداخت حق انشعاب برای آب آشامیدنی - اسفالت جاده گنبد - قزاق محله و تقویت برق اهمیت بیشتری دارند.

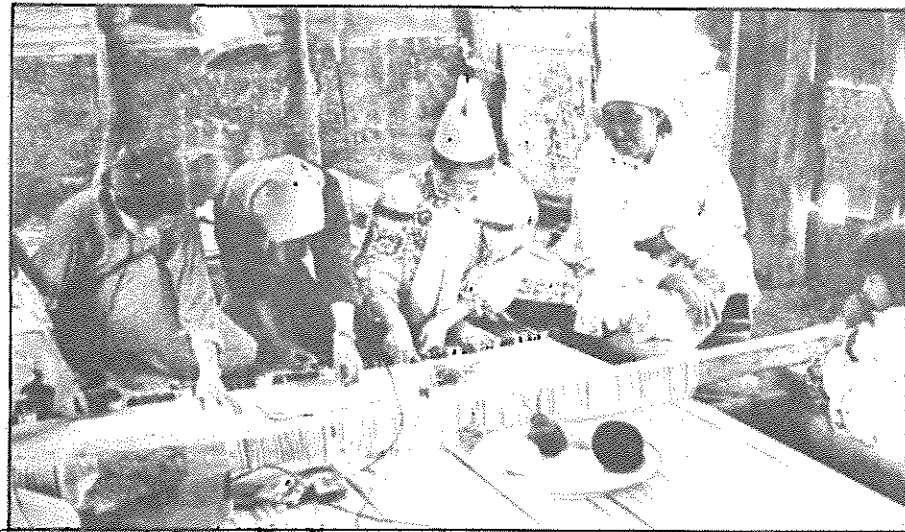
برنا مه حداقل، نخست ایچا د جمهوری دمکراتیک فدرال میباشد. برخی از اصولی که دوسال زمان انقلابی مذکور بر مبنای آن به

کا رگران اسپانیا " گوش خواهد نمود این تئوری را در شرایط مشخص اسپانیا بکار ببرد. افزون بقیه در صفحه ۴

# قزاق نشین شمال ایران

این محله داده بود که بعداً " به بهانه فنی نبودن در سال ۵۶ و امپرا را با جریماه‌ش پس گرفت. در شرایط فعلی آنها از آب و برق وسایل ایاب و ذهاب محرومند حمل و نقل شیر و علوفه از اصطبلها و بالعکس به سختی صورت می‌گیرد و مخارج زیادی را متحمل می‌شوند. آنها با کمبود خوراک دام و آب آشامیدنی برای دامها روبرو هستند و خواستهای آنها از دولت هم این است که برای دامداران قزاق اصطبلهای بهداشتی

در قزاق محله گرگان هم کم و بیش با این مسائل روبرو هستند آنها از اینکه خیابانها را شن ریزی کرده‌اند و اسفالت نمی‌کنند و خیابانها را به صورت گردو خاک باقی گذارده‌اند ناراحت بودند. در این شهر دفتر " کانون فرهنگی خلق قزاق " شروع بکار نموده که جوانان با شور و شوق زیاد جهت شناساندن فرهنگ خلق قزاق مشغولند و تا به حال نمایشگاهی از کارهای دستی در تهران تشکیل داده‌اند. ما امید



کارگاه قالی بافی قزاق‌ها

تأمین کنند. پرداخت وام - تشکیل شرکت‌های تعاونی و کمک‌های مالی و حرفه‌ای راههای دیگری هستند جهت بهبود وضع دامداران قزاق.

در قزاق محله بندر ترکمن هم اکنون آب آشامیدنی ندارند مدت‌هاست که جاده اصلی بندر ترکمن، گومیش تپه را شن ریزی کرده‌اند ولی هیچگونه اقدامی برای اسفالت کردن آن ننموده‌اند و تمام منازل اطراف از گرد و خاک اتومبیلها نیکه عبور می‌کنند، ناراحتند و می‌خواهند وضع این جاده هر چه زودتر روشن گردد. قزاقهای بندر ترکمن مشاغل **بقیه در صفحه ۶**

موفقیت برای خلق قزاق و جوانان بر شور آن داریم.

جوانان این محل به ورزش بسیار علاقمندند و در مسابقات محلی شرکت می‌کنند منتهی از هیچگونه امکانات ورزشی برخوردار نیستند و زمینی را هم که هم اکنون در آن بازی می‌کنند در اختیار بانک رهنی است.

در مورد دامداری، به علت عدم حمایت دولت از دامداران - محرومیت از کارآموز - بی‌بهای حرفه‌ای و رقابت غیر صحیح دامداران سرمایه‌دار، دامداران تحت فشار شدید هستند. رژیم سابق تا ۱۸۰۰۰ تومان وام به دامداران

در هفته گذشته تعقیب، دستگیریها و آزار ایرانیان در آلمان توسط پلیس این کشور که از قبل شروع شده بود، ادامه یافت. پلیس آلمان این دستگیریها و پیگردها را تحت بهانه‌های امنیتی قبیل اینکه گویا ایرانیان و بخصوص کنفدراسیون جهانی مصحلمین و دانشجویان ایرانی تصمیم به محاکمه و مجازات عوامیل رژیم سابق و عنا صر سنا و اکرا گرفته‌اند، انجام می‌دهد. در مطبوعات و رادیو تلویزیون آلمان نیز تبلیغات وسیعی علیه انقلاب ایران و امام خمینی برافشاده است.

گزارشی داریم از ایمن دستگیریها و فعالیتهای کنفدراسیون جهانی و سایبر ایرانیا ن میهن پرست در دفاع از دستگیرشدگان، که قسمتهائی از آن را در زیر می آوریم:

ها میبورگ - از دستگیرشدگان ۸ نفر از دانشجویان عضو کنفدراسیون جهانی هستند که در زندان هامبورگ دست به اعتصاب غذا زده‌اند و طبق اطلاعات رسیده حال بهر روز کلاهی تا ندیز که مبتلا به بیماری قلبی نیز میباشد، و خیم است و پلیس اجازة انتقال او را به بیمارستان ویا ملاقات پزشک با او ندادده است. حال پرویز ماهرو و فرهاد ویسی نیز رضایت بخش

## از دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور پشتیبانی کنیم

نیست. کنفدراسیون جهانی طی اطلاعیه‌ای هشدار داده است در صورتیکه خطری جان آنها را تهدید نماید، پلیس و دولت آلمان مسئول خواهند بود.

در هامبورگ جلسه وسیعی با حضور نماینده امام خمینی تشکیل شده که در این جلسه دانشجویان ایرانی خواستهای خود را مطرح کردند. همچنین کمیته‌ای به نام جمعیت میهن پرستان مرکب از تجار میهن پرست ایرانی مقیم هامبورگ تشکیل شده که ضمن جمع آوری کمکهای مالی و غیره پشتیبانی خود را از دانشجویان دستگیر شده اعلام کرده‌اند. بنا نماینده کنفدراسیون جهانی سه مصاحبه رادیو تلویزیونی در هامبورگ انجام شده که در تلویزیونهای شمال آلمان پخش شده است.

برمن - در هفته گذشته ۵ نفر دیگر از اعضای کنفدراسیون جهانی در برمن دستگیر شدند. نماینده کنفدراسیون جهانی طی مصاحبه‌ای در برمن که از رادیو تلویزیون پخش شده، خواستهای کنفدراسیون جهانی را مطرح کرده است. مسئله دفاع از دانشجویان ایرانی بطور وسیع توسط ایرانیان مقیم برمن حمایت میشود.

در شهر برمن میتینگی با شرکت نیروهای ضد امپریالیست آلمانی تشکیل شده و هزاران **بقیه در صفحه ۶**